

جرم‌انگاری در حوزه رمزارزها*

□ عارف خلیلی پاچی^۱
□ باقر شاملو^۲

چکیده

مشخصه بارز هزاره سوم و عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات را می‌توان سرعت و تنوع در پیشرفت‌ها و نوآوری‌ها دانست؛ امری که شناخت پدیده‌های فناورانه و کنشگری جهت قاعده‌مندی آن‌ها را همواره چندین گام عقب‌تر از تحولات قرار می‌دهد. یکی از مهم‌ترین مثال‌ها از چنین پدیده‌هایی را می‌توان رمزارزها دانست که با گذشت بیش از یک دهه از معرفی و انتشار، همچنان از حیث قاعده‌مندی حقوقی و تنظیم‌گری، از خلأهای راهبردی بسیاری برخوردارند. بی‌تردید در شکل‌گیری چنین فضایی، ناشناختگی ویژگی‌ها، کارکردها و نوظهوری فناوری زمینه‌ساز این فناوری، یعنی بلاک‌چین، نقش قابل توجهی داشته است. با این حال، برخی کشورها تلاش کرده‌اند تا با اتخاذ رویکردی فعال و پویا به سیاست‌گذاری

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۳۰.

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی (a_khalilipaji@sbu.ac.ir).

۲. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)
(b_shamloo@sbu.ac.ir)

در این حوزه پردازند؛ رویکردی که نشانگر کنشگری فعال در برابر رمزارزهاست. در این راستا یکی از مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین جنبه مداخلات در زمینه رمزارزها، مداخله کیفی از طریق جرم‌انگاری پیرامون برخی از مخاطرات این فناوری است؛ امری که به دلیل تحدید آزادی‌ها نیازمند توجیه است تا از گذر آن، ضرورت‌های جرم‌انگاری در حوزه رمزارزها شناسایی گردد. بر این اساس، در پژوهش پیش‌رو با روشی توصیفی و تحلیلی به بررسی ضرورت‌های جرم‌انگاری و جلوه‌های جرایم در حوزه رمزارزها پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: رمزارزها، جرم‌انگاری، مداخله کیفی، پولشویی، قاچاق‌انگاری.

مقدمه

رمزارزها یا ارزهای رمزنگاری شده، ارزیابی مبتنی بر فناوری رمزنگاری^۱ محسوب می‌شوند که با قرار گرفتن ذیل عنوان کلی ارزهای مجازی، امنیت و صحت مبادلات و پرداخت‌ها را در چارچوب عملکردی مشخص تضمین می‌کنند. در میان معادله‌هایی که به فارسی برای کریپتوکارنسی‌ها^۲ به کار می‌روند، عبارتی چون رمزارز و ارز رمزپایه صحیح‌تر به نظر می‌رسد. معروف‌ترین ارز مجازی که در دسته رمزارزها قرار دارد، بیت‌کوین است. بیت‌کوین^۳ به عنوان یک ارز مجازی یا سامانه پرداخت نوین از سال ۲۰۰۸ توسط شخص یا گروهی از اشخاص با نام مستعار ساتوشی ناکاموتو^۴ به عنوان جایگزینی برای پول یا سامانه‌های پرداخت سنتی معرفی شده است. بیت‌کوین پرداخت غیر متمرکز و شخص به شخص - یعنی بدون نیاز به وجود شخص یا نهاد ثالث مانند صرافی‌ها یا بانک‌ها- را فراهم می‌کند. این سامانه، قدرت کارکرد خود را از کاربران شبکه می‌گیرد و بدون واسطه یا مرجع مرکزی برای مدیریت که در آن دخل و تصرف

1. Cryptography.

2. Cryptocurrency.

۳. بیت‌کوین (Bitcoin) (با حروف بزرگ) هم به نرم‌افزار منبع باز استفاده‌شده برای ایجاد رمزارز بیت‌کوین و هم شبکه شخص به شخص (p2p) اشاره می‌کند. بیت‌کوین (bitcoin) (با حروف کوچک) به واحدهای ارزش رمزارز بیت‌کوین اشاره دارد.

4. Satoshi Nakamoto.

کند، به فعالیت می‌پردازد.^۱ استفاده از بیت کوین به عنوان یک سامانه پرداخت جهت خرید و فروش محصولات و خدمات از طریق یک ساختار برخط و پنهان، از عوامل جذابیت این ارز رمزنگاری شده یا رمزارز برای کاربران است. گزارش‌ها حاکی از آن است که تا اواسط سال ۲۰۱۶، تقریباً ۱۶ میلیون بیت کوین در جریان بوده و به طور فزاینده‌ای توسط شرکت‌ها و کاربران مورد استفاده قرار می‌گیرد (Greenfield, 2016).

این رقم تا اوایل سال ۲۰۲۰ به حدود ۱۸/۵ میلیون بیت کوین رسیده است.^۲

از زمان معرفی این رمزارز، آنچه همواره مورد توجه اندیشمندان حقوق کیفری و جرم‌شناسی و کنشگران نظام عدالت کیفری قرار داشته، ابعاد جنایی آن است (ر.ک: شاملو و خلیلی پاچی، ۱۳۹۹). استفاده از زیرساخت‌های پیچیده و فناورانه و ارائه ویژگی‌هایی چون ناشناختگی هویت، مهم‌ترین دلایلی است که رمزارزهایی چون بیت کوین را از منظر بزهکاران، جذاب و آینده‌دار تلقی کرده است (ر.ک: خلیلی پاچی، ۱۳۹۸: ۱۱۳-۱۳۴). بر این اساس، بزهکاران می‌توانند با استفاده از ظرفیت‌های این پدیده نوظهور، به ارتکاب جرایم مالی/اقتصادی بپردازند و کشف جرم را با چالش‌هایی جدی روبه‌رو سازند. از این رو، مخاطرات مجرمانه رمزارزها سبب شده تا بحث پیرامون مداخله یا عدم مداخله کیفری در این زمینه مورد توجه قرار گیرد؛ امری که در نگاه اول، ناقض اصل حداقلی و کمینه حقوق جزاست، اما بررسی سیر شکل‌گیری آن، بیان‌کننده توجیهاتی جهت اثبات ضرورت آن است؛ به طوری که حتی می‌توان آن را منطبق بر مدل جرم‌انگاری «پالایش یا صافی»^۳ جاناناتان شنشک دانست. مطابق مدل مذکور، جرم‌انگاری زمانی موجه خواهد بود که به طور موفقیت‌آمیزی از سه فیلتر عبور کند. در واقع، عبور از فیلترهای سه‌گانه زیر، مجوز اخلاقی و قانونی جهت جرم‌انگاری را فراهم می‌سازد: ۱. فیلتر اصول؛ ۲. فیلتر پیش‌فرض‌ها؛ ۳. فیلتر کارکردها. اولین فیلتر در مدل جرم‌انگاری «پالایش»، فیلتر اصول

۱. در اوت سال ۲۰۰۸، دامنه پایگاه Bitcoin.org در شبکه اینترنت ثبت شد. در اکتبر سال ۲۰۰۸ «ساتوشی ناکاماتو» در خبرنامه رمزگذاری شده‌ای به نام metzdowd.com اعلام کرد: «من در حال کار بر روی سامانه پول الکترونیکی جدیدی هستم که کاملاً شخص به شخص و بدون دخالت شخص ثالث است». سرانجام در سال ۲۰۰۹ این رمزارز عملیاتی شد و فصلی نو را در عرصه مبادلات در فضای اینترنت رقم زد.
2. <<https://www.investopedia.com/tech/what-happens-bitcoin-after-21-million-mined>>.
3. Filtering.

است که مرحله آغازین فرایند موجه‌سازی جرم‌انگاری و در واقع مبین اصول و ارزش‌های جامعه است که بر اساس آن، حتی می‌توان آزادی‌های فردی را محدود کرد. دومین فیلتر، فیلتر پیش‌فرض‌هاست. در این مرحله، قانون‌گذار برای مقابله با رفتار، نخست راهکارهای غیر کیفری مانند اقدام‌های مدنی، اداری و انضباطی را مدنظر قرار می‌دهد و از سایر ابزارهای کنترل اجتماعی بهره می‌جوید و چنانچه این تدابیر ناکافی باشند، اقدام به جرم‌انگاری می‌کند. بررسی سیر مذکور در حوزه رمزارزها نشان می‌دهد که غالب کشورها در مواجهه با فناوری رمزارزها بدون هرگونه مداخله حقوقی به صدور اعلامیه‌هایی مبنی بر آگاه‌سازی و هشداردهی ریسک‌های مرتبط با رمزارزها اقدام کردند؛ امری که به تدریج با مشخص شدن ناکافی بودن آن، راه را برای مداخلات حقوقی باز کرد و در چارچوب حمایت از ارزش‌ها و نظم اقتصادی، مداخله کیفری را در این حوزه تجویز نمود. در واقع، تنظیم‌گری مالیاتی فناوری رمزارزها و لزوم مداخله کیفری از طریق اعمال ضمانت اجرا در این زمینه را می‌توان آغاز توجه دولت‌ها به ضرورت مداخله کیفری در این حوزه به عنوان یکی از اقسام ضمانت اجرا در برابر اعمال ناقض قانون دانست. در نهایت نیز با شمول قوانین مبارزه با پولشویی بر رمزارزها و ارائه‌دهندگان خدمات مربوط به آن، این گونه از مداخله کیفری به عنوان ضمانت اجرای نقض برخی الزامات تکمیل شد و راه برای مداخلات کیفری مستقل از گذر جرم‌انگاری برخی اعمال گشوده شد. از این رو، شناسایی رمزارزها به عنوان یک ارزش، و ارائه‌دهندگان خدمات مربوط به آن به عنوان یکی از نهادهای مالی، و توجه به قابلیت استفاده از این فناوری در ارتکاب جرایم به ویژه تطهیر درآمدهای نامشروع، فضا را برای ورود به بحث مدیریت ریسک^۲

۱. برای نمونه می‌توان به اطلاعیه صادره توسط نهادهای مرتبط در کشور استرالیا اشاره کرد که به اشخاص و تجار متقاضی استفاده از رمزارزها، اطلاعات لازم در خصوص ریسک‌ها و شیوه کار این سامانه پرداخت نوین را ارائه داده است (Australian Securities & Investments Commission, 2015).

۲. با گذشت زمان، گفتمان‌ها، سیاست‌ها و رویه‌های قضایی، پلیسی و قانون‌گذارانه دیگری در چارچوب جنبش رویگردانی از مدل بازپروری - حمایتی و روی‌آوری به فرهنگ جدید کنترل جرم، ابتدا در آمریکای شمالی و در سال‌های اخیر در کشورهای اروپای غربی معمول شدند که به احتمال ارتکاب جرم و تکرار جرم افراد تکیه می‌کنند و با عنوان‌های عدالت سنجشی، آماری، کیفرشناسی جدید یا جرم‌شناسی جدید (تخمینی) مشهور شده‌اند و در تلاش‌اند تا سازوکارهای حقوق کیفری و جرم‌شناسی را به منزله وسایل و ابزار مدیریت خطر یا ریسک جرم و تکرار جرم به کار گیرند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۱/۷۲۲-۷۲۳).

و توجه به جرایم احتمالی قابل ارتکاب با رمزارزها و آسیب ناشی از آن و اتخاذ رویکرد جرم‌انگاری پیش‌دستانه فراهم ساخت.

جرم‌انگاری پیش‌دستانه^۱ یکی از جلوه‌های افزایش مداخله حقوق کیفری است که استفاده از اصل حداقلی و کمینه حقوق جزا را نقض می‌کند (شاهیده و نیازپور، ۱۳۹۹: ۱۲۵). ماهیت دارای ریسک رمزارزها، نقش مؤثری در شکل‌گیری جرم‌انگاری پیش‌دستانه دارد. در این چارچوب، قانون‌گذاران با انتخاب راهبرد جرم‌انگاری پیش‌دستانه، که نمونه‌ای از حقوق کیفری پیش‌اجرم است و گستره وسیع‌تری از رفتارها و افراد را نسبت به حقوق کیفری پس‌اجرم شامل می‌شود، اقدام به توسعه قلمرو مداخله سیاست جنایی می‌کنند؛^۲ امری که در رویکرد اتخاذی ایران در خصوص رمزارزها به موجب لایحه اصلاحی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۹

1. Pre-emptive criminalization.

۲. رواج نسبی رمزارزها در ایران، سرآغاز بحث‌هایی در خصوص ابعاد گوناگون این فناوری به ویژه از حیث حقوقی و جرم‌شناختی شده است. با وجود این، موضع‌گیری متولیان امر در ابتدا منفعلانه و ناکارآمد بود و کندتر از بسیاری کشورها، رویکردهای معقولانه‌تری از حیث وضع قوانین و مقررات در خصوص ابعاد گوناگون رمزارزها صورت پذیرفت. بر این اساس، کنشگری تقنینی در ایران پیرامون رمزارزها را می‌توان در چارچوبی از انفعال و ممنوعیت استفاده تا صدور اعلامیه‌های هشداردهی و آگاه‌سازی از ریسک‌ها و تلاش نافرجام جهت قاعده‌مندسازی تجاری دسته‌بندی کرد. مقررات‌گذاری در خصوص مخاطرات جنایی رمزارزها در ایران نیز از تفاوت‌های قابل توجهی با بسیاری کشورها برخوردار است. کنشگران سیاست‌گذار و مقررده‌گذار در ایران، راهی دیگر را در پیش گرفتند. این رویکرد، با ممنوعیت استفاده و مبادله رمزارزها، با استدلال قابلیت استفاده از آن در پولشویی، آغاز شد که نویددهنده توجه بیشتر به رمزارزها از منظر مقررات پولشویی بود. با وجود این، اقدامات بعدی که با انتشار پیش‌نویس سند «الزامات و ضوابط فعالیت‌ها در حوزه رمزارزها در کشور» مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۰۸ همراه شد، نشانگر به حاشیه‌رانده شدن رویکرد مرتبط با پولشویی به رمزارزها و تقویت رویکردی است که در تلاش است تا با ارز (منظور ارزهای رایج مانند دلار و یورو) محسوب کردن رمزارزها آن‌ها را تحت شمول قوانین مربوط به ارز و از جمله قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی درآورد؛ امری که با الحاق تبصره ۷ ماده ۲ مکرر الحاقی سال ۱۳۹۹ «(تمامی رمزارزها (ارزهای رقمی) در حکم ارز موضوع این قانون هستند و جرائم، تخلفات، ضمانت اجراها و نیز تمامی احکام و مقررات مربوط به ارز در این قانون در مورد آن‌ها نیز اجرا می‌شود.»)» به قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و بیان صریح این امر، نه تنها از حیث تقنینی فاقد سابقه در سایر کشورها بود، رویکرد جرم‌انگاری پیش‌دستانه را در دستور کار قرار می‌داد. با وجود این، اگرچه کلیات تبصره مزبور مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت، اما توسط مجلس شورای اسلامی از متن لایحه حذف شد.

مدنظر قانون‌گذار قرار گرفت، در اصلاحیه لایحه مزبور در سال ۱۴۰۰ با اِعمال اصلاحاتی تثبیت شد و با وجود آنکه کلیات مربوط به تبصره الحاقی در خصوص رمازرها مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت، توسط مجلس شورای اسلامی از متن لایحه حذف شد.

باید توجه داشت که تمایل کلی در کشور به شمول قوانین ارزی بر رمازرها - و به تبع آن شمول قوانین قاچاق ارز بر آنها - محدود به لایحه مزبور نمی‌شود. پیش از این لایحه، انتشار پیش‌نویس سند «الزامات و ضوابط فعالیت‌ها در حوزه رمازرها در کشور» مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۰۸ توسط بانک مرکزی نیز بیانگر تمایل به شمول قوانین ارزی بر رمازرها بوده است؛ امری که تا کنون به سرانجام مشخصی نرسیده است. به طور کلی، گفتمان قانون‌گذار در شمول قوانین ارزی بر رمازرها و به طور خاص شمول قوانین قاچاق ارز بر این فناوری پیش از حذف تبصره مزبور را می‌توان گفتمانی سختگیرانه و قابل انتقاد توصیف کرد؛ امری که این پرسش را مطرح می‌سازد که مطابق چه مبنایی، جرم‌انگاری در حوزه رمازرها تجویز شده، به گونه‌ای که با سرعت زیادی مداخله کیفری در این زمینه از ویژگی‌های سختگیرانه از گذر جرم‌انگاری پیش‌دستانه برخوردار شده است؛ موضوعی که از گذر فیلتر سوم، یعنی فیلتر کارکردها به عنوان آخرین مرحله در تکمیل فرایند جرم‌انگاری نیز قابل توجه است. این مرحله مبتنی بر عقلانیت ابزاری است که تحلیل هزینه - فایده را در این امر پرمخاطره به حکومت گوشزد می‌کند و آن را از انجام اقدامات باطل و بی‌فایده برحذر می‌دارد (فرح‌بخش، ۱۳۸۹: ۲۱۹). این در حالی است که در بیشتر کشورها متأثر از اسناد فراملی، به نقش این فناوری در جرم‌پولشویی توجه و تلاش شده است تا از گذر شمول قوانین و مقررات پولشویی، مداخله در این حوزه صورت پذیرد. در ایران نیز رواج نسبی رمازرها و آغاز توجه به آنها، با اتخاذ رویکردی همراه شد که به ممنوعیت استفاده و مبادله رمازرها، با استدلال قابلیت استفاده از آن در پولشویی توجه داشت؛ اما به تدریج گفتمان قانون‌گذار و تلاش جهت شمول قوانین ارزی بر رمازرها در این حوزه غالب شد.

بر این اساس، در نوشتار حاضر تلاش شده تا به طور جامع، ضرورت‌های

جرم‌انگاری و جلوه‌های جرایم حوزه رمزارزها مورد بررسی قرار گیرد.^۱ در قسمت جلوه‌ها افزون بر بررسی شمول قوانین مبارزه با پولشویی بر رمزارزها، رویکرد بدیع و بی‌سابقه ایران به موجب لایحه اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۴۰۰ در چارچوب قاچاق‌انگاری برخی اعمال مرتبط با رمزارزها، از ابعاد گوناگون مورد تحلیل قرار می‌گیرد. این امر با توجه به اینکه ظاهراً تبصره مربوط به رمزارزها در آخرین نسخه از اصلاحات قانون مزبور، توسط مجلس شورای اسلامی حذف شده است، می‌تواند چالش‌های شمول قوانین ارزی بر رمزارزها را برای مقنن آشکار نماید تا در جهت قانون‌مندی‌سازی این فناوری رویکردی مناسبی را اتخاذ کند.

بدین ترتیب در پژوهش حاضر، ابتدا ضرورت‌های جرم‌انگاری در حوزه رمزارزها، در قالب حمایت از امنیت اقتصادی، مهار خطرناکی، احتیاط‌انگاری عدالت‌کیفری و جهانی‌شدن بزهکاری بررسی می‌شود. سپس جلوه‌های جرایم در حوزه رمزارزها از گذر شمول قوانین مبارزه با پولشویی بر رمزارزها و قاچاق‌انگاری اعمال مرتبط با رمزارزها تبیین خواهد شد.

۱. ضرورت‌های جرم‌انگاری در حوزه رمزارزها

فناوری رمزارزها به عنوان یک پدیده نوظهور به تدریج راه خود را در عرصه اقتصادی ملی و فراملی باز کرده است. با این حال، در نخستین سال‌های معرفی و انتشار، همچنان پدیده‌ای نو تلقی می‌شد که این امر تنظیم‌گری این حوزه را تا پس از شکوفایی آن به تعویق انداخت. در این چارچوب، بسیاری از کشورها تلاش کردند تا از اقدامات تنظیم‌گر شتاب‌زده جلوگیری کنند تا با رصد زمینه‌ها، عملکرد و چارچوب

۱. باید توجه داشت که در حال حاضر در هیچ قانون ملی یا سند فراملی، به جرایم خاص حوزه رمزارزها پرداخته نشده است. علت این امر از یک‌سو، ابهامات در ماهیت فنی این فناوری و از سوی دیگر، سرعت تحولات در این زمینه است که تنظیم‌گری و قاعده‌گذاری حقوقی پیرامون آن را دشوار ساخته است. از سوی دیگر، آنچه در حوزه جرم‌انگاری رمزارزها مورد توجه قرار گرفته است، نقش این فناوری در وقوع جرایم سنتی، غالباً جرایم اقتصادی است؛ برای نمونه، مطابق پژوهشی که در روسیه انجام شد، مشخص گردید که تا پایان سال ۲۰۱۸، بازار فعالیت‌های غیر قانونی با استفاده از رمزارزها به ویژه بیت‌کوین، از حجمی معادل ۷۶ میلیارد دلار، یعنی تقریباً از حجمی برابر با بازارهای قاچاق مواد مخدر در آمریکا و اروپا برخوردار بوده است (<www.group-ib.ru/media/gib-cryptosummary>).

رمزارزها، اقدام به اتخاذ تصمیمات معقول نمایند. این امر پس از شناسایی کارکردی رمزارزها، منجر به صدور اعلامیه‌هایی مبنی بر آگاه‌سازی عمومی نسبت به ویژگی‌ها و هشداردهی نسبت به ریسک‌های رمزارزها شد.^۱ در واقع، فضای ناشناخته ایجاد شده در پرتو گسترش رمزارزها صرفاً اقدام دولت‌ها را در هشداردهی پیرامون آن خلاصه نمود. به تدریج و با افزایش کاربرد این فناوری، ابعاد پنهان تجاری آن، که در بردارنده برخی مخاطرات است، آشکار شد. در این مرحله در وهله نخست، مداخله غیر کیفری و تلاش جهت تنظیم‌گری مدنظر قرار گرفت. با این حال، مجموع ریسک‌های شناسایی شده، اعم از ریسک‌های تجاری و جنایی، مداخله کیفری به واسطه شمول برخی قوانین کیفری و جرم‌انگاری برخی اعمال مرتبط با این فناوری را اجتناب‌ناپذیر کرد؛ امری که از آن به عنوان مکمل مداخلات غیر کیفری، یعنی به رسمیت شناختن جنبش جرم‌انگاری به نام حمایت از حقوقی که جدیداً به رسمیت شناخته شده است، یاد می‌شود (ر.ک: دلماس مارتی، ۱۳۹۸: ۴۷۷).

بدین‌سان از یک سو، ناکافی بودن رویکرد هشداردهی پیرامون ریسک رمزارزها و تنظیم‌گری تجاری آن و از سوی دیگر، وجود مخاطرات جنایی در این فناوری را می‌توان عواملی دانست که مداخله کیفری در این زمینه را توجیه می‌کند. از این رو،

۱. توجه مداخله کیفری در تلاش است تا حساسیت ناشی از اتخاذ راهبردهای کیفری را که در مقام ایجاد محدودیت بر آزادی است، تعدیل کند. در این راستا، توجیه می‌تواند از زاویه دید فردی و از نقطه‌نظر اجتماعی مورد بحث قرار گیرد. در واقع، مشاهدات عینی گاه با استناد به وجود آسیب، ضرر یا خطر برای فرد و گاه وجود آسیب، ضرر یا خطر برای جامعه، زمینه‌ساز مداخلات کیفری خواهند شد؛ امری که در گام اول، توجیهی بر ضرورت مداخله کیفری پیرامون رمزارزها شناخته می‌شود. با گسترش استفاده از رمزارزها، از یک سو، وجود ابهامات گوناگون پیرامون ماهیت و وضعیت فنی، حقوقی و کارکردی این فناوری، وجود ریسک‌هایی را برای کاربران اجتناب‌ناپذیر کرده بود. از سوی دیگر، وجود برخی منافع و مزایای احتمالی برای این فناوری، مانع از هر گونه اقدام شتاب‌زده توسط متولیان امر در بسیاری از کشورها شد تا یک تصمیم نسنجیده، سبب محرومیت آن‌ها از مزایای موجود نشود. از این رو، صدور اطلاعیه‌های معرفی و هشداردهنده مبنی بر ریسک‌های مالی موجود این فناوری آغاز شد تا با تکامل دانش در این زمینه با اولویت برخی موضوعات، مقررات‌گذاری‌هایی صورت گیرد. در واقع، جهت شناسایی و ارزیابی ریسک رمزارزها از جمله بیت‌کوین، رویکرد «مشاهده و ارزیابی» در دستور کار قرار گرفت تا بدین‌وسیله با افزایش شناخت، دانش و آگاهی از ظرفیت‌های واقعی و احتمالی این ارزها، رویکرد کنترلی مناسب جهت کاهش مخاطرات تجاری یا مجرمانه آن اتخاذ گردد (Boehm & Pesch, 2015).

پیش از بررسی جلوه‌های جرایم در حوزه رمزارزها، بررسی ضرورت‌های جرم‌انگاری در این زمینه که مدّ نظر دولت‌ها قرار دارد، لازم است. این ضرورت‌ها در واقع توجیه‌کننده مداخله کیفری دولت‌ها از طریق جرم‌انگاری برخی اعمال مرتبط با این فناوری است. واژه مداخله و دخالت اگرچه از بار مثبت معنایی نزدیک به واژه محافظت برخوردار است، اما بار منفی آن، که تحدیدکننده آزادی است، هر گونه رفتار مداخله‌گرایانه‌ای را نیازمند توجیه می‌کند. «بر اساس نگرش حاکمیت به قدرت تجسم‌یافته در حقوق کیفری و وضعیت و مفهوم شهروندی در یک جامعه، مداخله کیفری گاه یک حق و گاه عملی غیر اخلاقی و خلاف قاعده دانسته می‌شود. گاه یک قانون و گاه استثنایی است که جز در شرایط خاص مجاز نیست. مداخله، نقض حق آزادی فردی است. از این مقدمه‌ها می‌توان نتیجه گرفت که یک «مداخله»، ناقض یک «قاعده» است و نیاز به «توجیه» دارد» (محمودی جانکی و روستایی، ۱۳۹۲: ۳۹). بر این اساس، در مقام توجیه مداخله کیفری در خصوص رمزارزها باید ضرورت‌هایی که این امر را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد، مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۱. حمایت از امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی، اشاره به وجود وضعیت باثباتی در ساختار فعلی و افق روشن آینده دارد که کنشگران اقتصادی در آن با احساس رهایی از ریسک / خطر به طور بهینه و با بهره‌وری مطلوب در عرصه اقتصادی (تولید، توزیع و مصرف) به فعالیت پردازند. به عبارت دیگر، یک جامعه را زمانی می‌توان از لحاظ اقتصادی ایمن دانست که در آن ثبات وجود داشته باشد و نهادهای اقتصادی و فعال در بازار، در محیطی مناسب به کنشگری پردازند (برومند و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۵). احساس ایمنی نیز زمانی حاصل می‌شود که شهروندان احساس کنند تهدید نمی‌شوند (پاک‌نهاد، ۱۳۸۸: ۶۸). از این رو، ضرورت حفظ امنیت اقتصادی، مجوزی جهت برخورد با هر عنصر تهدیدکننده در پهنه نظام اقتصادی است. در این راستا، رمزارزها با برخورداری از ویژگی‌های منحصر به فرد، تبدیل به ابزاری چالش‌برانگیز برای امنیت اقتصادی شده‌اند؛ امری که از یک‌سو، شهروندان و سرمایه‌گذاران و از سوی دیگر، دولت‌ها را با مخاطرات جدی روبه‌رو

ساخته است. این مخاطرات طیف وسیعی را شامل می‌شود؛ از نوسان شدید قیمتی که می‌تواند منجر به خسارات قابل توجه به کاربران و سرمایه‌گذاران شود تا ضررهای اقتصادی به دولت از طریق فرار مالیاتی؛ امری که به مثابه اختیاری است در دست دولت‌ها تا به نام و برای تأمین امنیت اشخاص و اموال در برابر بزهکاران و ناقضان قانون، از قوای قهرآمیز و غیر قهرآمیز استفاده نمایند (ر.ک: نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۱۱).

حمایت از ارزش‌های اقتصادی از سوی دولت‌ها در این زمینه غالباً از گذر تنظیم‌گری مالیاتی رمزارزها صورت می‌پذیرد. علت پرداختن به موضوع مالیاتی رمزارزها، کاربرد این فناوری در پهنه نظام ملی و حتی فراملی اقتصادی است که پیش از هر گونه احساس نیاز به مداخله توسط دولت‌ها آغاز شده و بازار مالی قابل توجهی در پرتو آن شکل گرفته است؛ امری که منجر به تأثیرات اقتصادی در سایر سطوح نظام‌های مالی نیز شده است. از این رو، تنظیم‌گری مالیاتی در این حوزه به عنوان یک نیاز دسته اول محسوب می‌شود و کشورها پیش از هر مقررگی دیگری به آن پرداختند؛ امری که می‌تواند با استقرار مداخلات دولت، زمینه را جهت کنترل و مدیریت بازار رمزارزها در پرتو ابزارهای مالیاتی فراهم سازد. بر این اساس، تنظیم‌گری مالیاتی رمزارزها نقش قابل توجهی در ورود کیفی دولت‌ها در این عرصه دارد. در این راستا، نخست، چارچوب پرداخت مالیات مشخص شده است؛ برای نمونه، دولت استرالیا در ماه می ۲۰۱۶ به درخواست کمیته ارجاع اقتصادی مجلس سنای استرالیا پاسخ داد (Australian Government Response..., 2016) و درباره چگونگی پرداخت مالیات مربوط به رمزارزها و اقدامات پیرامون آن، که توسط اداره مالیات استرالیا^۱ صورت می‌پذیرد، به بحث پرداخت. در نهایت، اداره مزبور اقدام به انتشار یک سند راهنما در خصوص وضعیت مالیاتی رمزارزها کرد (Tax Treatment of Crypto-Currencies in Australia – Specifically Bitcoin, 2017). این رهنمود پس از نهایی شدن در دسامبر ۲۰۱۴ احکام مختلفی را پیرامون کاربرد قوانین مالیاتی در خصوص بیت‌کوین و سایر رمزارزها مقرر ساخت.^۲ بر این اساس، مبادلات رمزارزها

1. Australian Taxation Office (ATO).

2. ATO, Income Tax: Is Bitcoin a 'Foreign Currency' for the Purposes of Division 775 of the Income Tax Assessment Act 1997.

همچون سایر مبادلات، از نتایج مالیاتی مشابهی برخوردار است. از این رو، عدم پرداخت مالیات حسب مورد با ضمانت اجرای قانونی روبه‌رو خواهد شد. بدیهی است زمانی که موضوع فرار مالیاتی احراز شود، مرتکب با پاسخ کیفری روبه‌رو خواهد شد.

از این رو به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر، مداخله از حیث مالیاتی و برخی دیگر از ابعاد تجارتي جهت کاهش مخاطرات رمزارزها مورد توجه قرار گرفته است. این امر دارای چند اثر مهم است؛ از یک سو، قانونمندی و ایجاد چارچوب قانونی، موجب به رسمیت شناختن بخشی از فعالیت‌های مرتبط با رمزارزها، با شیوه‌ای مشخص می‌شود. از این رو، هر فعالیتی خارج از این محدوده نه تنها از حمایت قانونی برخوردار نخواهد بود، بلکه ممکن است حسب مورد، غیر قانونی و همراه با ضمانت اجرا برای منع از آن نیز تلقی شود. از سوی دیگر، اعمال خلاف قانون در بخش مورد حمایت قانونی نیز می‌تواند حسب مورد از ضمانت اجرا برخوردار شود. بر این اساس، ایجاد مرز و تفکیک میان اعمال قانونی و غیر قانونی و قرار دادن ضمانت اجرای برای آن بخش از اعمال که به صورت غیر قانونی رخ می‌دهند، می‌تواند مداخلات دولت‌ها از جمله مداخله کیفری را در این زمینه افزایش دهد. کیفر یکی از ضمانت‌های اجرای در دسترس در پاسخ به اعمال ناقض قانون است و در زمینه فوق نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. از این رو می‌توان مداخله کیفری را از گذر حمایت از برخی ارزش‌های اقتصادی و به عنوان لازمه امنیت اقتصادی مورد توجه قرار داد. بدیهی است که در این چارچوب، توجیه مداخله کیفری نیز آسان‌تر است تا زمانی که مداخله کیفری در پرتو جرم‌انگاری مستقل اتخاذ می‌شود.

۲-۱. مهار خطرناکی

جرم‌انگاری برخی رفتارهای انحرافی که در بردارنده هشدار برای ارتکاب یک جرم است، در چارچوب نظریه‌های کیفری «ژرمی بنتام» مطرح شد. بنتام با هدف کاهش زمینه‌های وقوع جرایم و تعدیل گرایش‌های خطرناک، توصیه‌هایی را به عنوان اقدامات مکمل مطرح کرد. به نظر وی، اهمیت جرایم صرفاً با توجه به درجه فساد و تباهی که بر آن‌ها مترتب است، ارزیابی نمی‌شود؛ بلکه با توجه به خطرهایی که به دنبال

خواهند داشت، مورد سنجش قرار می‌گیرند (پرداد، ۱۳۹۹: ۶۶). بدین‌سان، بنتمام عقیده به جرم‌انگاری انحرافات داشت که زمینه‌ساز جرایم محسوب می‌شوند تا بدین‌وسیله با افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم، معادله جرم به سوی عدم ارتکاب آن سوق داده شود. وی از این جرایم به عنوان «جرایم فرعی»^۱ یا «جرایم مساعدکننده» یاد می‌کند (نجفی ابرندآبادی و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۴). با گسترش این مفهوم در پرتو آموزه‌های مکتب تحقیقی تحت «نظریه حالت خطرناک» این امر گسترش یافت؛ به گونه‌ای که امروزه با عنوان «جرایم مانع»^۲ یا «جرایم پیش‌دستانه» مورد شناسایی قرار می‌گیرد.^۳ با توجه به مفهوم حالت خطرناک در اندیشه بنیان‌گذاران مکتب تحقیقی به ویژه گاروفالو و انریکو فری، انحرافات زمینه‌ساز جرم نیز در دایره شمول حالت خطرناک قرار می‌گیرند. از این رو، اتخاذ سازوکاری مناسب در مقابل آن ضرورت دارد (همان: ۲۵).

جرم‌انگاری رفتارهای انحراف‌آمیز، در پی تأمین این هدف است تا با به کارگیری بازدارندگی یا اثر پیشگیرانه کیفری به واسطه استفاده از ویژگی سرکوبگری کیفری، مانع از وقوع برخی رفتارهای ساده اما خطرناکی شود که می‌تواند زمینه‌ساز ارتکاب جرم باشد. اگرچه اعمالی که در این چارچوب جرم‌انگاری می‌شوند، ممکن است مربوط به مرحله پیش‌مقدماتی و زود هنگام اقدام مجرمانه باشند و یا حتی اساساً ارتکاب جرم پس از ارتکاب چنین اعمالی مدّ نظر مرتکب نباشد، اما احتیاط در تأمین امنیت، ضرورت پیشگیری از آسیب و پیشگیری از ارتکاب جرایم شدید اقتضا دارد که زمینه‌های ارتکاب آن از بین رود.

در این چارچوب، گاه سیاست‌گذار جنایی، بنا بر ضرورت حمایت از برخی ارزش‌ها، گام‌هایی فراتر برمی‌دارد و با استفاده از ابزار ارجاع کیفری و شمول حکمی، با پیشروی در سیاست جنایی، وضعیت سختگیرانه‌تری را اتخاذ می‌کند (ر.ک: میرمحمدصادقی و لکی، ۱۳۹۸). نمونه بارز اتخاذ چنین رویکردی را می‌توان در لایحه اصلاح قانون مبارزه با

1. Accessory offences.

2. Obstacle offence.

۳. نام‌گذاری انحرافات و رفتارهای خطرناک در قالب جرم که نخست در نوشته‌های بنتمام تحت عنوان «جرایم فرعی» مطرح شده بود، در آثار نویسندگان فرانسوی به عنوان «جرایم مانع» شناخته می‌شود (نجفی ابرندآبادی و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۵).

قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۹ دید؛ امری که می‌توان از آن به عنوان نمونه‌ای از مداخله کیفی پیشینه در قلمرو رمزارزها نام برد که فاقد سابقه در سایر کشورهاست.

قانون‌گذار در گام نخست، مطابق تبصره ۷ ماده ۲ مکرر الحاقی که به موجب ماده ۱۷ لایحه اصلاحی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز پیشنهاد شد و در تاریخ ۲۹ اردیبهشت سال ۱۳۹۹ مورد تصویب مجلس قرار گرفت و پس از ایرادات شورای نگهبان مجدداً با ایجاد تغییراتی در تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۲۴ در مجلس به تصویب رسید، تمامی رمزارزها (ارزهای رومی) را در حکم ارز موضوع قانون مزبور محسوب کرد و مقرر نمود که جرائم، تخلفات، ضمانت اجراها و تمامی احکام و مقررات مربوط به ارز در قانون موصوف در مورد رمزارزها نیز اجرا خواهند شد. این امر پیش از حذف توسط مجلس شورای اسلامی، بدین معنا بود که قانون‌گذار ایران تمایل داشت تا رمزارزها را در حکم ارز رایج خارجی محسوب، و مقررات موجود از جمله قوانین مربوط به قاچاق ارز را بر آنها بار کند. بند خ ماده ۲ اصلاحی سال ۱۳۹۴ در مقام بیان قاچاق ارز بیان می‌دارد:

«عدم رعایت ضوابط تعیین شده از سوی دولت یا نداشتن مجوزهای لازم از بانک مرکزی برای ورود، خروج، خرید، فروش یا حواله ارز، قاچاق ارز محسوب می‌شود».

با وجود این، ماده ۲ مکرر الحاقی، اقدام به نسخ این بند و ارائه مصادیق احصاشده از قاچاق ارز کرده است.

با مشاهده فهرست اعمال جرم‌انگاری شده به موجب ماده مذکور، با طیف وسیعی از اعمال مقدماتی و خارج از مفهوم واقعی قاچاق روبه‌رو می‌شویم که قانون‌گذار به موجب آن تلاش کرده تا در چارچوب جرم‌انگاری پیش‌دستانه، با استفاده از آن مانع از تحقق مصداق بزرگ قاچاق، یعنی خروج ارز از کشور شود. موارد موجود در این حوزه اگرچه از وجه مشترکی با مصداق مزبور برخوردارند - از این حیث که همگی قادر خواهند بود نظم اقتصادی را به چالش بکشند - اما از حیث مفهومی، از عنوان قاچاق خارج‌اند و به مثابه رفتارهای انحراف‌آمیز و خطرناکی تلقی می‌شوند که به طور احتمالی یا واقعی از ظرفیت عملیاتی کردن جرم بزرگ‌تر برخوردار هستند.^۱ در واقع باید به این

۱. برای نمونه می‌توان به جرم‌انگاری اقدام به خروج، معامله فردایی ارز، عدم ثبت معاملات ارزی در سامانه ارزی، عدم ارائه صورت حساب معتبر و نگهداری ارز اشاره کرد.

نکته توجه داشت که اگرچه ظاهراً اطلاق عنوان قاچاق بر افعالی که ماهیتاً قاچاق محسوب نمی‌شوند، تداعی‌کننده این امر است که قانون‌گذار در پی ایجاد مانعی در برابر خروج ارز از کشور است، واقعیت‌های موجود نشان‌دهنده آن است که قانون‌گذار با برگزیدن چنین عنوانی و بار کردن مجازاتی سنگین تلاش کرده تا با القای نوع نگاه سختگیرانه خود به هر گونه اخلال در نظام ارزی به عنوان یکی از پایه‌های مهم نظام اقتصادی، اهمیت آن را به عموم شهروندان بیان کند تا مانع بر هم خوردن نظم نظام ارزی شود و طبیعتاً مخاطرات احتمالی ناشی از این بی‌نظمی را مدیریت کند. در واقع، نوع توجیهی که قانون‌گذار در ایران جهت مداخله کیفری حداکثری با اتخاذ رویکرد جرم‌انگاری پیش‌دستانه مورد توجه قرار داده است، اهمیت حفظ نظم نظام ارزی است و همبستگی عدم ثبات آن بر عدم ثبات نظام اقتصادی است. از این رو، قانون‌گذار با قاچاق‌انگاری اعمال مرتبط با رمزارزها در صدد آن بوده تا با استفاده از ابزار کیفری، مانع از وقوع رخداد‌های منفی شود و به تعدیل خطر بپردازد.

۳-۱. احتیاط‌انگاری عدالت کیفری

امروزه از یک سو تحت تأثیر شکل‌گیری رویکردهای گوناگون نظری، و از سوی دیگر اقتضائات عملی، مفهوم جرم - انحراف و پاسخ به آن‌ها نیز متحول شده است. با ظهور ریسک‌های متنوع در سطح زندگی بشر، شاهد شکل‌گیری نظریه جامعه مخاطره‌آمیز در ادبیات جامعه‌شناسی هستیم. نظریه جامعه مخاطره‌آمیز، یکی از بانفوذترین نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر است که منشأ بسیاری از مدل‌ها و تحلیل‌های علمی از رخداد‌های محیطی و بوم‌شناختی گرفته تا وقایع و تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی سه دهه گذشته تا کنون را فراهم کرده است (ر.ک: احمدی و دهقانی، ۱۳۹۴). این نظریه در ابتدای امر در حوزه‌های زیست‌محیطی^۱ مطرح شد و به تدریج به سایر حوزه‌ها از جمله علوم جنایی گسترش یافت.

۱. اصل احتیاط نخستین بار در اواخر دهه ۱۹۸۰ در آلمان و در مناظره پیرامون مسائل زیست‌محیطی مطرح شد. اصل احتیاط به زبان ساده می‌گوید که در مورد مسائل زیست‌محیطی باید دست به عمل زد؛ حتی اگر شواهد علمی کافی وجود نداشته باشد. به همین خاطر در دهه ۱۹۸۰ در چندین کشور اروپایی، برنامه مقابله با باران اسیدی به راه افتاد (ر.ک: رهبرپور، ۱۳۹۲).

با ورود این نظریه و برخی موارد مرتبط با آن -مانند اصل احتیاط- به سیاست جنایی، زمینه برای بازتعریف برخی مفاهیم فراهم شد. در این چارچوب، الگوهای پاسخ‌دهی و واکنش به جرم با اتخاذ رویکردهای پیش‌دستانه موجب شد تا زمینه برای برخی تغییرات مانند «اهمیت یافتن امنیت بر آزادی، کنترل‌گرایی مضاعف کیفری، شدت نسبی یافتن پاسخ کیفر، تغییر در مصادیق جرم‌انگاری‌شده و تداوم نظارت بر رفتارهای مخاطره‌آمیز در قالب کنترل کیفری» (صیقل، ۱۳۹۷: ۲) فراهم گردد.

بدین‌سان، مداخله پیش‌دستانه بر مبنای اصل احتیاط با هدف از بین بردن موقعیت‌های احتمالی و اشخاص مجرم احتمالی، مدنظر قرار گرفت. این راهبرد با توجه به وجود تهدیدها و خطراتی که به صورت بالقوه در جامعه وجود دارد، پدیدآورنده اصل احتیاط است تا از این طریق از آسیب‌های بالقوه پیشگیری نماید.

توجه به اصل احتیاط در اتخاذ اقدامات پیش‌دستانه در برابر مخاطرات رمزارزها نیز مدنظر قرار گرفته است؛ برای نمونه می‌توان به جرم‌انگاری انجام کارگزاری خدمات ارزی در داخل کشور برای اشخاص خارج از کشور، بدون داشتن مجوز انجام عملیات صرافی از بانک مرکزی به موجب بند ۷ تبصره ۷ ماده ۲ مکرر الحاقی که در ماده ۱۷ لایحه اصلاحی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز آمده است، اشاره کرد. منظور از کارگزار، شخصی است که مابازای ارز معامله‌شده را در کشور دریافت نماید. بر این اساس، کارگزار در عمل، نقشی چون «رابط ریالی» دارد. این نقش به منظور تسهیل تسویه حساب میان طرفین معامله ایجاد شده است که به موجب آن پس از انجام معامله میان دو طرف، مثلاً خریدار و فروشنده، بنا بر این می‌شود که خریدار وجوه را به حساب شخص ثالث (کارگزار یا رابط ریالی) واریز نماید. در واقع، شخص اقدام به پرداخت مبلغی ارز در خارج از کشور به شخصی دیگر می‌کند و جهت تسویه حساب ریالی، شخص ثالثی را در درون کشور معرفی می‌کند. بدین ترتیب، شخصی که اقدام به دریافت ارز در خارج از کشور کرده، با واریز معادل ریالی آن به حساب شخص ثالث در درون کشور، با طرف معامله خود تسویه حساب می‌کند. با توجه به اینکه پیش از تصویب لایحه اصلاحی، چنین فرایندی به دلیل فقدان قانون جرم‌انگار، مباح شمرده می‌شد، ولی در عمل مشکلاتی را در پی داشت، قانون‌گذار تصمیم به جرم‌انگاری

چنین عملی، زمانی که بدون مجوز انجام شود، گرفته است. از این رو، انجام بدون مجوز چنین عملی قاچاق ارز محسوب می‌شود؛ اگرچه در عمل، شخص کارگزار به مبادله ارز نمی‌پردازد. در واقع از دیدگاه حقوق کیفری پیشاجرم، برخی رفتارها که قابلیت ارتباط با جرم اصلی را دارند، در چارچوب جرم‌انگاری پیش‌دستانه، مورد جرم‌انگاری قرار می‌گیرند. بر این اساس، قانون‌گذار با در دست گرفتن ابتکار به جای انفعال، قلمرو کیفری را گسترش می‌دهد و با توسعه جرم‌انگاری، رفتارهایی را که حتی به طور غیر مستقیم مرتبط با جرم نیستند، با دیدی نوگرایانه و صرفاً بنا بر احتیاط، جرم محسوب و برای آن‌ها مجازات مقرر می‌کند.

بدین‌سان، احتیاط‌انگاری نظام عدالت کیفری و همگرایی با منطق آن را می‌توان به وضوح در اقدامات پیش‌دستانه اتخاذی در برابر مخاطرات ارزش‌های مجازی مورد بررسی قرار داد. در این چارچوب، زمانی که احتمال وقوع جرم وجود داشته باشد، اقدامات اتخاذ می‌شود و توجیهی برای انفعال در برابر خطرهای احتمالی وجود نخواهد داشت. بر این اساس، عدم وجود دلایل و مستندات کافی نباید دلیلی بر فقدان خطر ارزیابی شود؛ بلکه با تعدیل بار اثبات با وجود احتمال، اثبات عدم امکان آسیب بر عهده ایجادکننده احتمال آسیب قرار می‌گیرد.

۴-۱. جهانی شدن بزهکاری

جهانی شدن با وجود برخورداری از مزایای بی‌شمار، پیامدهای منفی و مضری نیز در پی داشته است؛ امری که سبب شده تا عموم مردم ریسک‌ها را تجربه کنند. اگرچه سطح تجربه بسته به عوامل گوناگون، میزان فقر و برخورداری افراد، متفاوت است، اما برخی ریسک‌ها جدا از چنین دسته‌بندی‌هایی با گستره جهانی بر عموم مردم تأثیرگذارند (Kemshall, 2003: 46). از این رو، گستردگی را می‌توان خاصیت ریسک دانست که دامنه شمول آن را فراتر از مرزها جدا از طبقه، ثروت و جنسیت قرار داده است.

بدین‌سان، محور اساسی جهانی شدن ریسک، گستردگی و بدون مرز شدن مخاطرات است که امکان کنترل آن را در سطح ملی در عمل، نشدنی می‌سازد؛ امری

که در ریسک وقوع جرم رمزارزها نیز به وضوح قابل مشاهده است. بی‌کرانگی ریسک این فناوری در سه سطح قابل بررسی است:

«نخست، سطح فاصله‌ای. در این سطح شاهد مخاطرات بی‌حد و مرزی هستیم که هیچ مرزی را بر نمی‌تابد و جغرافیای خاصی از تأثیر آن در امان نیست. دوم، سطح زمانی. انباشت، توسعه و گسترش ریسک رمزارزها نه تنها به راحتی قابل پیشگیری نیست، بلکه در نهایت می‌تواند با ایجاد تغییراتی بنیادین، زمینه‌ساز تحولاتی با آثار سوء بسیار گردد. سوم، سطح اجتماعی. امری که منجر به ایجاد آسیب‌های اجتماعی بسیاری می‌گردد، بدون آنکه مسئول این آسیب‌ها و بحران‌های ناشی از آن قابل شناسایی باشد» (Ritzer, 2005: 648).

بر این اساس، اگرچه ریسک اختصاص به جهان معاصر ندارد و در گذشته نیز وجود داشته است، اما به تعبیری ریسک‌های معاصر را می‌توان بسیار متفاوت دانست. ریسک‌های معاصر به لحاظ ماهیت جهانی و غالباً قابل انتساب به انسان هستند؛ امری که فناوری آن را توسعه داده و کثرت بخشیده است (بک، ۱۳۸۸: ۳۷).

بدین‌سان، ویژگی جهانی بودن دامنه استفاده از رمزارزها را می‌توان مبنایی در به‌کارگیری رویکرد جرم‌انگاری در چارچوب مداخله کیفری در برابر مخاطرات این فناوری دانست؛ امری که با شمول قوانین مبارزه با پولشویی بر رمزارزها مورد توجه قرار گرفته است. رمزارزها به عنوان ابزاری فناورانه با برخورداری از ویژگی‌هایی چون سهولت و سرعت در مبادلات و ناشناختگی هویت کاربر، تبدیل به ابزاری قابل استفاده توسط بزهکاران و گروه‌های بزهکاری شده‌اند. این فناوری به طور قابل توجهی در خدمت بزهکاری قرار گرفته و افزون بر استفاده جهت تسویه حساب میان بزهکاران، به ابزاری قابل توجه در پولشویی درآمدهای مجرمانه بدل شده است. بدیهی است که ویژگی جهانی این فناوری و قابلیت استفاده از آن در فراتر از مرزهای جغرافیایی کشورها، می‌تواند چالش‌های گوناگونی را برای کشورها در کشف جرایم و شناسایی بزهکاران ایجاد نماید.

افزون بر این، استفاده از زیرساخت‌های کشورهای ضعیف از منظر قواعد مبارزه با پولشویی، امکان بهره‌مندی بزهکاران از این فناوری را با استفاده از زیرساخت

کشورهای مزبور فراهم ساخته است.^۱ از این رو، جرم‌انگاری در حوزه رمزارزها با شمول قوانین و مقررات مربوط به پولشویی در این زمینه تحقق یافته است؛ برای نمونه، دولت استرالیا در آگوست سال ۲۰۱۷ لایحه‌ای را برای تصویب به پارلمان این کشور فرستاد تا بدین‌وسیله ارائه‌دهندگان خدمات مبادله ارزهای مجازی تحت شمول سامانه ضد پولشویی قرار گیرند.^۲ این لایحه در دسامبر ۲۰۱۷ به تصویب رسید و از ۳ آوریل ۲۰۱۸ اجرایی شد (Digital Currency Exchange Providers, 2018). بر اساس این اصلاحات، ارائه‌دهندگان خدمات مبادله رمزارزها، ملزم به ثبت نام در مرکز گزارش و تحلیل معاملات استرالیا^۳ و اجرای برنامه‌های مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم «به منظور کاهش ریسک پولشویی و همچنین شناسایی و تأیید هویت مشتریان خود» هستند (Pearce, 2017). همچنین از آن‌ها خواسته می‌شود که معاملات مشکوک را گزارش دهند و سوابق خاصی را نگهداری کنند.

نمونه دیگر کشور کاناداست که گسترش استفاده از رمزارزها و وجود برخی مخاطرات در این چارچوب سبب شد تا در ۱۹ ژوئن سال ۲۰۱۴ اصلاحاتی در خصوص قانون درآمدهای مجرمانه^۴ (پولشویی) و تأمین مالی تروریسم این کشور انجام شود. مطابق این اصلاحات، ارائه‌دهندگان خدمات مربوط به رمزارزهایی از جمله بیت کوین،

۱. برای نمونه، شاید کاربری که در کشور الف است، معامله‌ای را از طریق اینترنت آغاز می‌کند تا ارز ملی کشور ب را از طریق مبادله ارز مجازی در کشور پ تبدیل کند و این ارز مجازی را به یک کیف پول در کشور ت انتقال دهد. این ارز مجازی (احتمالاً از طریق سایر واسطه‌ها) می‌تواند به کیف پول دریافت‌کننده نهایی در کشور ث منتقل شود. این عملیات ممکن است از طریق یک مبادله در کشور ج انجام شود و به ارز کشور چ تبدیل شود. همچنین برای ایجاد دشواری بیشتر در خصوص کشف نقل و انتقالات، ممکن است کاربر اقدام به مبادله با اشخاص یا شرکت‌های کشوری نماید که به لحاظ سامانه مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم دارای ضعف است یا اساساً بنا به دلایل مختلف، در این حوزه به طور بین‌المللی همکاری نمی‌کند. بدین‌سان، حتی چنانچه یک شخص به شرحی که گذشت، تمامی اقدامات را انجام دهد، به دلیل عدم وجود توان کافی برای کنترل مؤثر، کشف و شناسایی مرتکب در عمل غیر ممکن می‌شود (شاملو و خلیلی پاجی، ۱۳۹۹: ۸۸).

2. Anti-Money Laundering and Counter-Terrorism Financing Amendment Bill 2017, Parliament of Australian: <https://www.aph.gov.au/Parliamentary_Business/Bills_Legislation/Bills_Search_Results/Result?bId=r5952>.

3. Australian Transaction Reports and Analysis Centre (AUSTRAC).

4. Proceeds of Crime.

با هدف شمول قواعد مبارزه با پولشویی، جزء مشاغل خدمات مالی محسوب شده‌اند (Ahmad, 2014). از این قانون به عنوان اولین قانون ملی که مبادلات رمزارزها را مشمول قوانین مبارزه با پولشویی کرده است، یاد می‌شود (Duhaime, 2014).

بدین سان، پس از آنکه رمزارزها به عنوان یک ارزش، و ارائه‌دهندگان خدمات مربوط به آن به عنوان یکی از نهادهای مالی مورد شناسایی قرار گرفتند، شمول قوانین پولشویی و رعایت الزامات آن بر آنها صورت می‌پذیرد.^۱ بر این اساس، ارائه‌دهندگان خدمات مربوط به رمزارزها چنانچه الزامات مربوط به پولشویی را در این زمینه رعایت نکنند، با ضمانت‌اجراهای مشخص از جمله ضمانت اجرای کیفری روبه‌رو خواهند شد؛ امری که تکمیل‌کننده زنجیره مداخله کیفری به عنوان ضمانت اجرای برخی اعمال ناقض قانون، پیرامون رمزارزها است.

۲. جلوه‌های جرایم در حوزه رمزارزها

رمزارزها به عنوان یک ابزار فناورانه به فضای سایر/مجازی تعلق دارند. از این رو، مانند سایر ابزارها و امکانات این فضا، افزون بر کاربردهای مشروع، از قابلیت استفاده در فعالیت‌های نامشروع یا بزهکارانه برخوردار هستند. بر این اساس، این ابزار فناورانه از

۱. رویکرد ایران در برابر رمزارزها با اعلامیه‌ای مبنی بر ممنوعیت استفاده از آن توسط شورای پول و اعتبار به دلیل وجود مخاطرات پولشویی و تأمین مالی تروریسم در استفاده از آن آغاز شد. این امر نویددهنده آن بود که ایران نیز همچون کشورهای پیشرو در حوزه مقررات‌گذاری جنایی در برابر رمزارزها، در تلاش است تا با ایجاد یک وقفه مناسب، با افزایش دانش، اقدام به چارچوب‌بندی نظام جنایی در برابر مخاطرات رمزارزها از منظر شمول قوانین پولشویی نماید. با این حال، آنچه در عمل دیده شد، تلاش برای شمول قوانین مربوط به قاچاق ارز بر فناوری رمزارزها بود؛ امری که نه تنها با رویکرد نوین اتخاذی در سطح فراملی در تضاد است، چالش‌هایی را نیز در پی دارد. در واقع، بررسی رویکردهای اتخاذی از سوی کشورهای پیشرو، حاکی از آن است که این کشورها در تلاش‌اند تا با کاستن از اعتبار رمزارزهای جهان‌روایی چون بیت‌کوین، جایگاه آن را از یک جایگزین برای پول‌های قانونی رایج یا نظام پولی موجود، به یک کالا تقلیل دهند. این در حالی است که رویکرد اتخاذی در ایران در عمل منجر به اعتباربخشی و شناسایی رمزارزها به عنوان یک ارز/پول شده است؛ امری که با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد رمزارزهای جهان‌روا، چالش‌های حقوقی و کیفری بسیاری را -به ویژه آن قسمت از مبادلات مرتبط با این فناوری که خارج از دامنه نظارتی نهادهای موظف صورت می‌گیرد- ایجاد خواهد کرد.

یک سو، زمینه تحول مفهومی و مصداقی برخی جرایم سنتی را فراهم ساخته و از سوی دیگر، قانونمندسازی این فناوری می‌تواند منجر به ایجاد برخی جرایم خاص مرتبط شود. مورد اخیر در حال حاضر چندان مورد توجه کنشگران ملی و فراملی قرار نگرفته است؛ زیرا با وجود شکل‌گیری دانش نسبتاً مناسبی پیرامون فناوری رمازرها، جرم‌انگاری خاص و مرتبط با این فناوری به دلایلی در اولویت قرار ندارد. مهم‌ترین دلیل این امر، تحول این ابزار بر برخی جرایم اقتصادی سنتی است که ابعاد وسیع آن، در اولویت قرار گرفتن آن‌ها را اجتناب‌ناپذیر کرده است.

به طور کلی، جرم‌انگاری در زمینه رمازرها در بسیاری از کشورها، با شمول قوانین و مقررات مبارزه با پولشویی بر این فناوری صورت پذیرفته است. بر این اساس، با شناسایی رمازرها به عنوان یک ارزش، این فناوری در زمره اموالی قرار می‌گیرد که می‌تواند موضوع جرم پولشویی واقع شود؛ امری که ریشه در اسناد فراملی به ویژه توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی FATF^۱ دارد.

افزون بر این، رویکرد قانون‌گذار در ایران به موجب لایحه اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۹ پیرامون جرم‌انگاری رمازرها، رویکردی خاص و بدیع است. قانون‌گذار ایرانی در تلاش بوده تا با ارز محسوب کردن رمازرها، به قاچاق‌انگاری برخی اعمال مرتبط با این فناوری پردازد. از این رو، بی‌سابقه بودن این رویکرد، بررسی ابعاد گوناگون آن را اجتناب‌ناپذیر کرده است.

۱-۲. شمول قوانین مبارزه با پولشویی بر رمازرها

پولشویی فرایندی است که طی آن، درآمدهای مجرمانه مشروع و قانونی می‌گردد؛ امری که با هر چه منظم‌تر شدن حوزه‌های پولی و مالی، برای مجرمان مالی - اقتصادی مهم‌تر شده است؛ زیرا هدف نهایی از کسب سود و منفعت مجرمانه، به جریان انداختن آن در نظام‌های پولی و مالی و استفاده از آن‌هاست. تخصصی‌ترین سازمان فراملی در حوزه مبارزه با پولشویی، گروه ویژه اقدام مالی است. نتیجه اقدامات این گروه منجر به تدوین و ارائه توصیه‌هایی به کشورها شد تا به موجب آن، به طور کارآمدی به

1. Financial Action Task Force.

مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم پردازند (شاملو و خلیلی پاجی، ۱۳۹۹: ۱۲۹). یکی از الزامات مهمی که در جرم پولشویی باید مورد توجه کشورها قرار گیرد این است که جرم پولشویی، هر نوع مالی را صرف نظر از ارزش آن در بر گیرد؛ امری که در توصیه شماره ۳ گروه ویژه اقدام مالی^۱، با ارجاع به کنواسیون پالمو مورد توجه قرار گرفته است.

جرم پولشویی در ماده ۶ کنوانسیون پالمو عبارت است از:

«۱- تبدیل یا انتقال اموال به منظور مخفی کردن یا تغییر ظاهر منشأ غیر قانونی آن‌ها یا کمک به شخصی که در ارتکاب جرم منشأ مشارکت داشته است، به منظور فرار از عواقب قانونی عملش با علم به اینکه اموال مزبور عواید حاصل از جرم است؛
۲- مخفی نمودن یا تغییر ظاهر، ماهیت، منشأ، محل، موقعیت، جابه‌جایی یا مالکیت یا حقوق متعلق به اموال با آگاهی از آنکه اموال مزبور عواید حاصل از جرم است».

بدین‌سان، گام اول جهت شمول مقررات پولشویی بر رمزارزها، شناسایی آن‌ها به‌عنوان یک ارزش/دارایی/مال است؛ امری که مورد تأکید گروه ویژه اقدام مالی نیز قرار گرفته است. بر این اساس، کشورها باید رمزارزها را جدا از تمامی اختلاف‌نظرها در خصوص ماهیت، به‌عنوان یک ارزش مورد شناسایی قرار دهند (FATF, 2019).

از این رو، مفهوم مال باید رمزارزها را نیز در بر گیرد و هنگامی که اثبات شود این اموال درآمد حاصل از جرم هستند، بدون نیاز به محکومیت دارنده به ارتکاب جرم منشأ، محکومیت وی با وجود سایر شرایط (علم به مجرمانه بودن منشأ) برای تحقق عنوان پولشویی کفایت کند (لازنت پیتن و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷). بدین ترتیب، کشورها باید با شمول عنوان مال، دارایی یا سرمایه بر رمزارزها، تعهدات مربوط به مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم را به این فناوری گسترش دهند.

در این راستا، بند ب ماده ۱ قانون مبارزه با پولشویی اصلاحی ۱۳۹۷ و بند ۳۲ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی در تعریفی نسبتاً مشابه (تعریف بند ۳۲ وسیع‌تر

۱. توصیه شماره ۳ بیان می‌دارد: «کشورها باید پولشویی را بر اساس کنوانسیون وین و کنوانسیون پالمو جرم‌انگاری کنند. با هدف شمول حداکثری جرایم منشأ، کشورها مکلف به تسری جرم پولشویی به تمامی جرایم شدید می‌باشند».

است)، مال را هر نوع دارایی، وجوه یا منابع اقتصادی اعم از مادی یا غیر مادی، محسوس یا غیر محسوس، منقول یا غیر منقول، نقد یا غیر نقد، مشروع یا غیر مشروع و هر نوع منفعت یا امتیاز مالی یا وجوه اعم از نقد و غیر نقد و همچنین کلیه اسناد قانونی مبین حق اعم از کاغذی یا الکترونیکی نظیر اسناد تجاری، سهام یا اوراق بهادار تعریف کرده‌اند. در خصوص اینکه آیا رمزارزها در چارچوب تعریف مذکور قرار می‌گیرند یا خیر، از حیث حقوقی و فقهی اختلافاتی در کشور وجود دارد. با این حال، اصلاحات صورت گرفته در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سال ۱۳۹۹ و شناسایی رمزارزها به عنوان ارز خارجی می‌توانست پایانی بر تمامی اختلافات باشد و با تأیید نهایی مصوبه مجلس شورای اسلامی توسط شورای نگهبان، از این پس ارزهای مجازی به طور رسمی در دایره اموال قانونی در کشور و به تبع آن، اموال موضوع جرم پولشویی قرار گیرند؛ امری که حذف آن توسط مجلس از لایحه اصلاحی، همچنان شناسایی قانون رمزارزها را در نظام حقوقی ایران به تأخیر انداخته است.

افزون بر این باید توجه داشت که شمول قوانین و مقررات مربوط به پولشویی بر رمزارزها تنها از حیث اینکه آنها می‌توانند موضوع جرم پولشویی واقع شوند، بر نظام جرم‌انگاری تأثیر نمی‌گذارد، بلکه در این چارچوب، جرم نقض مقررات مبارزه با پولشویی به عنوان جرایمی خاص نیز مورد توجه است. زمانی که رمزارزها و ارائه‌دهندگان خدمات مربوط به رمزارزها، مشمول قوانین مبارزه با پولشویی قرار گرفتند، الزامات خاص این حوزه و ضمانت اجرای عدم انجام آنها نیز بر این فناوری و ارائه‌دهندگان آن بار خواهد شد؛ برای نمونه می‌توان به الزامات مربوط به گزارش‌دهی اشاره کرد. ارائه گزارش عملیات مشکوک، یکی از مهم‌ترین وظایف نهادهای مالی و غیر مالی به شمار می‌رود که در بند ب از پاراگراف ماده ۱۸ کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، پاراگراف ۱ ماده ۱۴ و ماده ۵۲ کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد مورد اشاره قرار

۱. یکی از استدلال‌های اولبریچ، متهم اصلی پرونده جاده ابریشم به عنوان یک بازارِ برخط مجرمانه که در مبادلات از بیت‌کوین استفاده می‌کرد، در دفاع از خود در برابر اتهام پولشویی، این بود که او در پولشویی دخالت نمی‌کند؛ زیرا معاملات در جاده ابریشم، «معاملات مالی» نبودند. همچنین یکی دیگر از متهمان این پرونده استدلال کرد که رفتار وی انتقال غیر قانونی پول نقد نیست؛ زیرا بیت‌کوین پول نبوده و بنابراین او فرستنده پول محسوب نمی‌شود (Kethineni & Cao & Dodge, 2018: 150).

گرفته است.^۱

گروه ویژه اقدام مالی نیز به موجب توصیه‌های شماره ۲۰ و ۲۱ خود مبتنی بر تعهدات بین‌المللی فوق، به ارائه گزارش عملیات مشکوک توسط کشورها به عنوان یک الزام توجه داشته است. بر این اساس، مطابق توصیه شماره ۲۰ این گروه، اگر یک نهاد مالی مظنون شود به اینکه وجوهی از فعالیت‌های مجرمانه به دست آمده یا مربوط به تأمین مالی تروریسم است، یا ادله منطقی جهت ظن خود داشته باشد، باید به طور قانونی ملزم شود که در سریع‌ترین زمان ممکن، ظن خود را به مرکز اطلاعات مالی گزارش دهد. بر این اساس، کشورها باید اطمینان حاصل کنند که ارائه‌دهندگان خدمات مربوط به رمزارزها و سایر نهادهای موظف که به چنین فعالیت‌هایی اشتغال دارند، اقدام به ارائه گزارش عملیات مشکوک می‌نمایند.^۲

بدین‌سان، شمول قوانین و مقررات مبارزه با پولشویی، رمزارزها و ارائه‌دهندگان خدمات آن را مشمول طیف وسیعی از الزامات خواهد کرد که عدم اجرای آن، جرم محسوب و با کیفر روبه‌رو خواهد شد؛ برای نمونه، در استرالیا افرادی که در فرایند

۱. ماده ۱۳۹ آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی مقرر می‌دارد: «کارکنان تحت امر اشخاص مشمول مکلف‌اند تمام معاملات کاری بیش از سقف مقرر (خُرد یا تجمیعی) را از قبیل تراکنش‌ها، انتقال وجه نقد و معاملاتی که ارباب رجوع وجه آن را روزانه به صورت نقدی پرداخت می‌کند، ثبت کنند و همراه با توضیحات ارباب رجوع که به تأیید وی رسیده است، به واحدهای مبارزه با پولشویی اطلاع دهند. واحدهای مذکور مکلف‌اند خلاصه برگه (فرم)‌های مربوط را در پایان هر هفته به نحوی که مرکز مشخص می‌سازد، ارسال و اصل آن را به نحو کاملاً حفاظت‌شده نگهداری کنند».

۲. مطابق تبصره بند پ ماده ۷ قانون مبارزه با پولشویی اصلاحی ۱۳۹۷: «معاملات و عملیات مشکوک شامل هر نوع معامله، دریافت یا پرداخت مال اعم از فیزیکی یا الکترونیکی یا شروع به آن‌هاست که براساس اوضاع و احوالی مانند ارزش، موضوع یا طرفین آن برای انسان به طور متعارف، ظن وقوع جرم را ایجاد کند؛ نظیر: ۱- معاملات و عملیات مالی مربوط به ارباب رجوع که به نحو فاحش بیش از سطح فعالیت مورد انتظار وی باشد. ۲- کشف جعل، اظهار کذب یا گزارش خلاف واقع از سوی مراجعان، قبل یا بعد از آنکه معامله یا عملیات مالی صورت گیرد و نیز در زمان اخذ خدمات پایه. ۳- معاملات یا عملیات مالی که به هر ترتیب مشخص شود صوری یا ظاهری بوده و مالک شخص دیگری است. ۴- معاملات یا عملیات مالی که اقامتگاه قانونی هر یک از طرفین در مناطق پرخطر (از نظر پولشویی) واقع شده است. فهرست این مناطق توسط شورا مشخص می‌شود. ۵- معاملات یا عملیات مالی بیش از سقف مقرر در آیین‌نامه اجرایی؛ هرچند مراجعان، قبل یا حین معامله یا عملیات مزبور از انجام آن انصراف داده یا بعد از انجام آن بدون دلیل منطقی نسبت به فسخ قرارداد اقدام نمایند».

مبادله رمزارزها مشارکت دارند، ملزم به ثبت و حفظ سوابق خود می‌شوند. این سوابق از نظر قانون‌گذار استرالیا عبارت‌اند از: مقدار دلار استرالیا که بر اساس آن مبادله صورت گرفته است و مشخصات طرف دیگر مبادله - حتی اگر یک آدرس بیت‌کوین از طرف مقابل باشد. بدین‌سان، چنانچه این الزامات نیز از سوی اشخاص موظف رعایت نشود، آن‌ها با ضمانت اجراهای مشخص که در برخی موارد از جنس کیفری است، روبه‌رو خواهند شد (Hughes, 2014). مطابق ماده ۷ قانون مبارزه با پولشویی اصلاحی ۱۳۹۷، در ایران نیز تکالیفی مشابه وجود دارد. اشخاص موظف به رعایت مقررات مبارزه با پولشویی (مانند بانک‌ها)، مکلف به انجام وظایفی چون شناسایی مشتری، نگهداری سوابق و ارائه گزارش عملیات مشکوک هستند و در صورت انجام این تکالیف، با ضمانت اجرای این ماده (حسب مورد انفصال یا جزای نقدی) روبه‌رو خواهند شد. بدین ترتیب با شناسایی قانونی رمزارزها و ارائه‌دهندگان خدمات مربوط به آن‌ها، تکالیف قانونی مزبور شامل آن‌ها نیز خواهد شد و در صورت عدم انجام وظایف، با ضمانت اجرای مشخص شده مواجه می‌شوند.

۲-۲. قاچاق‌انگاری اعمال مرتبط با رمزارزها

رویکردی را که در ایران در خصوص مداخله کیفری پیرامون رمزارزها مدنظر قرار داشت، می‌توان رویکردی حداکثری و سختگیرانه دانست. قانون‌گذار در تلاش بود تا با شمول قوانین و قواعد ارزی، از جمله قوانین مربوط به قاچاق ارز، در عمل اقدام به قاچاق‌انگاری اعمال مرتبط با رمزارزها نماید. در این چارچوب، افزون بر برخی اعمالی که به طور مستقیم مرتبط با قاچاق هستند، طیف وسیعی از اعمال مقدماتی نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ اعمالی که اساساً در چارچوب عملیات اجرایی قاچاق نیز قرار نمی‌گیرند و صرفاً با توجه به اینکه دربردارنده ریسک هستند، جرم‌انگاری شده‌اند. با این حال، جدای از انتقادات وارده به اتخاذ چنین رویکرد، بررسی موردی هر یک از مصادیق، حاکی از آن است که لوازم اتخاذ چنین رویکردی با توجه به آنچه مدنظر قانون‌گذار بود نیز در دسترس نبوده است. از این رو، بررسی شمول قوانین قاچاق ارز بر رمزارزها می‌تواند منجر به ارائه تحلیلی جامع در خصوص این جلوه

۱-۲-۲. ورود یا خروج یا اقدام به خروج

ورود و خروج و یا اقدام به خروج، همواره جزء مصادیق انواع مختلف قاچاق ارز یا کالا بوده است. بر این اساس، مطابق بندهای الف و ب ماده ۲ مکرر، «ورود ارز به کشور یا خروج ارز از کشور بدون رعایت ضوابط مربوط که در حدود اختیارات قانونی توسط شورای پول و اعتبار تعیین می‌شود» و «هر گونه اقدام به خروج ارز از کشور بدون رعایت ضوابط مربوط که در حدود اختیارات قانونی توسط شورای پول و اعتبار تعیین می‌شود»، قاچاق ارز محسوب می‌شود. اگرچه «ورود یا خروج» مصداق کامل قاچاق ارز است، اما «اقدام به خروج» مصداقی از جرم‌انگاری تهاجمی جهت مداخله و اتخاذ اقدامات زودهنگام است تا از این طریق به نحو مؤثری از ایجاد ضرر حاصل از خروج ارز پیشگیری شود (ر.ک: میرمحمدصادقی و رحمتی، ۱۳۹۴: ۲۴). بر این اساس و با توجه به ارجاع کیفری مقررات مربوط به قاچاق ارز به رمزارزها مطابق تبصره ۷ ماده ۲

۱. پیش از ورود به بحث، ذکر نکاتی ضروری است: لایحه اصلاحی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۲۹ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و جهت اعلام نظر شورای نگهبان به این شورا ارسال شد. شورای نگهبان در راستای وظایف ذاتی خود، ایراداتی به برخی مواد لایحه وارد کرد؛ از جمله به تبصره ۷ ماده ۲ که مربوط به رمزارزها می‌شود. بر این اساس، این شورا در اعلام نظر خود مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۰۱ اعلام داشت: «در تبصره ۷، تسری احکام ارز به رمزارزها، با توجه به عدم تعریف و روشن نبودن احکام رمزارزها به ویژه از این جهت که تسری بعضی از احکام ارزها به حوزه مذکور ممکن نیست، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد». بر این اساس، مجلس شورای اسلامی با اصلاح تبصره مذکور تلاش کرد تا ابهامات شورای نگهبان را برطرف نماید؛ امری که در تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۲۴ مورد تصویب قرار گرفت و بدین شکل متن تبصره را تغییر داد: «رمزارز (ارز رقیومی) نوعی اسناد الکترونیکی موضوع بند پ ماده ۱ این قانون است که بر بستری دیجیتال (رقومی)، غیر متمرکز و شفاف به نام زنجیره بلوک (بلاک‌چین) موجودیت می‌یابد و بدین لحاظ ارز محسوب و مشمول مقررات بندهای پ، ت، ث، ج و چ این ماده است». مجدداً در تاریخ ۱۴۰۰/۰۲/۲۸ شورای نگهبان در خصوص لایحه مزبور اعلام نظر نمود. این بار ایرادی نسبت به تبصره مذکور نگرفت و تنها اقدام به ارائه تذکری نمود: «در ماده ۱۷ مصوبه، موضوع الحاق ماده (۲ مکرر) به قانون، در تبصره ۷، محل واژه «دیجیتال» و «رقومی» در پرانتز جابه‌جا شود». از این رو، با اینکه به نظر می‌رسید ارز خارجی محسوب کردن رمزارزها در نظام حقوقی ایران و شمول قوانین و مقررات ارزی از جمله قوانین مربوط به قاچاق ارز بر این فناوری، تا حد زیادی قطعی است، اما مجلس شورای اسلامی راساً اقدام به حذف تبصره مزبور از لایحه اصلاحی نمود.

مکرر مصوب ۱۳۹۹ مجلس شورای اسلامی، بندهای مزبور نیز اساساً شامل رمزارزها می‌شد؛ امری که از ایرادات بنیادین برخوردار است.

جرم‌انگاری اعمال مقدماتی/اعمال منحرفانه یا استفاده از سازوکار جرایم مانع در بردارنده هدفی است. در واقع، جرم‌انگاری رفتارهای منحرفانه، گویای این امر است که ویژگی سرکوبگری ضمانت اجراهای کیفری، از یک سو باید به عنوان عامل پیشگیرانه به کار گرفته شود و از سوی دیگر، از آنجا که یک رفتار خطرناک ساده ممکن است زمینه‌ساز ارتکاب جرایم باشد و خسارتی برای جامعه ایجاد کند، هرچند خسارت آن فوری نباشد، باید مجرمانه تلقی شود تا با اِعمال کیفر، حالت خطرناک فرد در نطفه خفه شده، دفاع اجتماعی تأمین گردد (نجفی ابرنآبادی و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۵). از این رو، اتخاذ چنین ساختاری با پیش فرض گرفتن کارآمدی آن همراه است و ارجاع کیفری در این مورد باید زمانی تحقق یابد که کارآمدی را وعده دهد. این در حالی است که اساساً امکان ورود و خروج در معنای عرفی آن، ورود و خروج از مرزهای قانونی کشور یا از مسیرهای غیر مجاز به صورت فیزیکی، در خصوص رمزارزها وجود ندارد؛ لذا تحقق قاچاق ارز در این موارد و نیز در صورت اقدام به خروج رمزارزها اصولاً امکان‌پذیر نیست. از این رو، مجلس شورای اسلامی در راستای اصلاح لایحه اصلاحی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و در پی ایرادات شورای نگهبان، تبصره ماده ۲ مکرر را نیز بدین شرح اصلاح کرد:

«تبصره ۷ ماده ۲ مکرر الحاقی سال ۱۴۰۰: رمزارز (ارز رقمی) نوعی اسناد الکترونیکی موضوع بند پ ماده ۱ این قانون است که بر بستری دیجیتال (رقومی)، غیر متمرکز و شفاف به نام زنجیره بلوک (بلاک‌چین) موجودیت می‌یابد و بدین لحاظ ارز محسوب و مشمول مقررات بندهای پ، ت، ث، ج و چ این ماده است».

بر این اساس، به درستی همان طور که بیان شد، بند الف ماده ۲ در خصوص ورود، خروج و شروع به خروج، شامل رمزارزها نخواهد شد.

با وجود این، باید به این نکته توجه داشت که در برخی موارد ممکن است شخص به ورود و خروج یا اقدام به خروج کیف پول‌های رمزارزی^۱ مبادرت نماید. کیف پول‌های

۱. Cryptocurrency Wallet (در خصوص کیف پول رمزارزی، ر.ک: Greenfield, 2016).

رمزارزی به دو دسته نرم‌افزای و سخت‌افزای تقسیم می‌شوند. فرض ورود یا خروج این کیف پول‌ها، در صورتی که به صورت سخت‌افزای باشند، قابل تصور است. این ابزار به صورت یک تراشه کوچک قابل حمل می‌تواند وارد یا خارج شود. حال اگر شخصی کیف پولی با محتوای رمزارزها را وارد یا خارج کند، آیا با وجود سایر شرایط، مشمول عنوان قاچاق ارز خواهد شد؟ با توجه به سکوت قانون‌گذار در این زمینه و عنایت به اینکه قانون‌گذار به موجب ماده ۲ مکرر، اقدام به احصاء مصادیق قاچاق ارز کرده است، پاسخ سؤال مزبور منفی به نظر می‌رسد.^۱

۲-۲-۲. معامله ارز توسط اشخاص فاقد مجوز

اهمیت ارز در پهنه نظام اقتصادی، زمینه را برای وضع قوانین و مقررات مداخله‌جویانه توسط دولت پیرامون آن فراهم نموده است. از جمله این موارد، ضرورت کسب مجوز برای ارائه خدمات ارزی است؛ امری که انجام اعمال مغایر با آن می‌تواند از ضمانت اجرای کیفری سنگینی برخوردار باشد.

مطابق بند پ ماده مزبور، انجام معامله ارزی در کشور تحت هر عنوان نظیر خرید، فروش، حواله، معاوضه یا صلح، مگر آنکه حداقل یکی از طرفین معامله، صرافی مجاز، بانک یا مؤسسه مالی و اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی باشد، قاچاق ارز محسوب می‌شود. همان‌طور که بیان شد، قانون‌گذار با توسعه مفهومی و مصداقی جرم

۱. نکته دیگر این است که ماهیت سائیری رمزارزها، انتقال آن‌ها را صرفاً در بستر فضای مجازی اجتناب‌ناپذیر کرده است. حال چنانچه انتقال رمزارز از یک کیف پول در ایران به یک کیف پول در خارج از کشور و برعکس، بدون رعایت تشریفات قانونی در انتقال صورت گیرد، می‌تواند مصداقی از بندهای مذکور باشد؟ اگرچه در خصوص این امر تردیدهایی وجود دارد، اما در چنین مواردی به استناد سایر بندهای ماده ۲ مکرر، در صورت تحقق سایر شرایط، می‌توان قائل به وقوع قاچاق رمزارز شد. در هر حال، باید به این نکته توجه داشت که مطابق بندهای مذکور، زمانی رفتارهای مادی ارتكابی قاچاق محسوب می‌شود که بدون رعایت تشریفات قانونی یا از مسیرهای غیر مجاز صورت پذیرد. بر این اساس، از آنجا که تا کنون مقرر خاصی در این موارد وجود ندارد، جهت اجرایی شدن آن و تکمیل رویکرد جرم‌انگاری پیش‌دستانه قانون‌گذار، وضع مقرراتی مشابه با «دستورالعمل اجرایی ضوابط ناظر بر ارز، اسناد بانکی و اوراق بهادار بی‌نام همراه مسافر» مصوب ۱۳۹۵ که در خصوص ارزهای رایج ملی قابلیت اجرا دارد، ضروری است (در خصوص این دستورالعمل ر.ک: سیاه‌بیدی کرمانشاهی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۹۱).

قاچاق ارز و شمول برخی رفتارها در این چارچوب در تلاش است تا با اتخاذ سیاستی سختگیرانه و کیفری، مانع بر هم خوردن نظم نظام ارزی شود. برخی از این اقدامات به شکل جرم‌انگاری اعمال مقدماتی هستند که قلمرو حقوق کیفری را با هدف مداخله اولیه برای کاهش فرصت ارتکاب جرم گسترش می‌دهند (Zedner, 2007: 256). از این رو، قانون‌گذار به طور گسترده‌ای اقدام به جرم‌انگاری اعمال مقدماتی در راستای جرم اصلی در این حوزه کرده است. پیش‌فرض قانون‌گذار این است که با جرم‌انگاری معامله ارز توسط اشخاص فاقد مجوز در مراحل ابتدایی، جلوی ارتکاب جرم شدیدتر - یا بی‌نظمی شدیدتر - را بگیرد و در چارچوب مذکور، اقدام به قاچاق‌انگاری نموده است. در واقع این احتمال خطرناک وجود دارد که معامله ارز توسط اشخاص فاقد مجوز، منجر به خروج غیر مجاز ارز از کشور یا زمینه‌ساز افزایش تقاضای کاذب و در نتیجه افزایش حباب گونه قیمت ارز شود، از این رو، عمل مذکور می‌تواند مقدمه‌ای بر ارتکاب جرم باشد و با جرم‌انگاری آن در مراحل اولیه، مانعی بر سر راه تحقق جرم یا بی‌نظمی ایجاد می‌شود.

بدین‌سان، معامله رمزارزها در صورتی که حداقل یک طرف آن از اشخاص دارای مجوز، به شرح بند مذکور نباشد، می‌تواند قاچاق ارز محسوب شود. حال پرسش این است که در حال حاضر در ایران، چه اشخاصی مجوز لازم را برای خرید و فروش رمزارزها دارند و آیا اساساً مقرره مشخصی در این زمینه وجود دارد یا خیر؟

بررسی قوانین و مقررات در این زمینه از یک‌سو نشانگر فقدان مقرره قانونی مشخصی در خصوص رمزارزهاست و از سوی دیگر باید به این نکته اشاره کرد که صرافی‌های موجود در کشور در حال حاضر تنها مجاز به انجام معاملات ارزهای رایج خارجی هستند و مجوزی برای معامله رمزارزها ندارند. این امر با بررسی «دستورالعمل اجرایی تأسیس، فعالیت و نظارت بر صرافی‌ها» مصوب مرداد ۱۳۹۳ قابل مشاهده است. مطابق بند ۴-۱ دستورالعمل مذکور، عملیات صرافی عبارت است از خرید و فروش نقدی ارز، انجام عملیات مربوط به حواله‌های ارزی از طریق مؤسسات اعتباری و ارائه خدمات ارزی برون‌مرزی از طریق کارگزاران در چارچوب قوانین و مقررات ارزی و خرید و فروش مسکوک طلای ضرب‌شده توسط بانک مرکزی. بر این اساس،

با توجه به زمان تصویب این دستورالعمل و فقدان موضوعیت رمزارزها از حیث رواج در آن زمان و نیز خروج مصداقی رمزارزها از بند پ ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ که در مقام تعریف ارز، آن را پول رایج کشورهای خارجی، اعم از اسکناس، مسکوکات، حواله‌های ارزی و سایر اسناد مکتوب یا الکترونیکی دانسته است که در مبادلات مالی کاربرد دارد، می‌توان نظر مذکور را تقویت کرد.

افزون بر این، باید به این نکته نیز توجه داشت که صرافی‌های موجود، امکان فنی لازم را برای معامله رمزارزها ندارند (ر.ک: سیاه‌بیدی کرمانشاهی و دیگران، ۱۳۹۸). صرافی رمزارزی نوعی ویژه از صرافی در بستر فضای مجازی است که با توجه به ماهیت مجازی رمزارزها، معاملات مربوط به آن‌ها صرفاً در این چارچوب امکان‌پذیر است. این در حالی است که مطابق تبصره ماده ۲۸ دستورالعمل مذکور، معامله ارزهای رایج توسط صرافی‌ها در فضای مجازی، از ممنوعیت قانونی برخوردار است. از این رو به نظر می‌رسد جهت شمول مقررات قاچاق ارز به واسطه «معامله ارز توسط اشخاص فاقد مجوز» تدوین مقررات و دستورالعمل‌های مرتبط جهت تأسیس صرافی‌های رمزارزی ضرورت دارد. این امر با تلاشی که تا کنون نافرجام مانده، از سوی معاونت فناوری‌های نوین بانک مرکزی به موجب پیش‌نویس «الزامات و ضوابط فعالیت در حوزه رمزارزها در کشور» در دستور کار قرار گرفته است. بر این اساس در متن این سند، ایجاد «صرافی رمزارزی» به عنوان نهادی که وظیفه تبدیل رمزارزها را به سایر رمزارزها، پول ملی کشور یا سایر ارزهای رایج دنیا و برعکس بر عهده دارد، پیش‌بینی شده است. بدین ترتیب، صرافی‌های دارای مجوز از بانک مرکزی، پس از احراز شرایطی که توسط بانک مرکزی اعلام می‌گردد، مجاز به خدمات صرافی رمزارزی می‌باشند و تا پیش از تدوین چنین مقرراتی، در عمل امکان تحقق قاچاق ارز از طریق معامله رمزارز توسط اشخاص فاقد مجوز وجود نخواهد داشت.

۲-۳. معامله فردایی ارز

معامله ارز به صورت فردایی، به معامله‌ای اشاره دارد که توسط صرافی یا غیر آن صورت می‌گیرد و تحویل ارز و مابازای آن به روز یا روزهای آینده موکول شده، ولی

منجر به تحویل ارز نمی‌شود یا از ابتدا قصد تحویل ارز وجود نداشته است و قصد طرفین تنها تسویه تفاوت قیمت ارز بوده است؛ امری که مطابق بند ۲ ماده ۲ مکرر، قاچاق ارز محسوب شده است.

این گونه از معامله، پیش از این در بند ۳ از ماده ۱ «مقررات ناظر بر عملیات ارزی صرافی‌ها» مصوب ۱۳۹۵ با این عبارت که معاملات فردایی، معاملاتی است که مبادله ارز و ریال به روز یا روزهای آینده موکول شده، تعریف شده است. در این فرایند، بی‌آنکه در عمل ارزی مورد مبادله قرار گیرد، با پیش‌بینی قیمت ارز در روزهای آتی تنها مابه‌التفاوت ریالی آن در زمان مشخص شده تسویه می‌شود؛ برای مثال ممکن است طرفین به موجب مبادله‌ای در روز شنبه مقرر کنند که الف مبلغ ۱۰۰ دلار را جهت تحویل در روز چهارشنبه از شخص ب خریده است. در این صورت، تفاوت قیمت دلار در روز شنبه و چهارشنبه حسب مورد از سوی خریدار یا فروشنده به طرف دیگر پرداخت می‌شود. این شیوه از معامله که در واقع نوعی «شرط‌بندی» بدون جابه‌جایی ارز است، به موجب بند ۲ لایحه اصلاحی ۱۳۹۹ نیز قاچاق ارز محسوب شده است. در واقع این عمل، یک رفتار انحرافی است که ارتکاب آن در سطح گسترده، زمینه‌ساز افزایش قیمت کاذب نرخ ارز و حتی بحران اقتصادی می‌شود؛ به گونه‌ای که در بخشی از دادنامه پرونده موسوم به «سلطان سکه» آمده است:

«این گروه علاوه بر خرید و فروش ارز، وارد بازار معاملات به اصطلاح فردایی و کاغذی ارز نیز شده‌اند که این امر نقش بسیاری در افزایش قیمت ارز داشته است».

بدین‌سان قانون‌گذار در اقدامی پیش‌دستانه با جرم‌انگاری/قاچاق‌انگاری این رفتار در تلاش است تا مانعی در برابر برهم خوردن شدید نظم نظام ارزی ایجاد کند. از آنجا که رمزارزها نیز از حیث ضوابط و مقررات مشمول قواعد ارزی شده‌اند، در صورتی که به شیوه فردایی مورد مبادله قرار گیرند، مشمول عنوان قاچاق ارز خواهند شد؛ زیرا در این مصداق از قاچاق ارز، آنچه مدنظر قانون‌گذار بوده، رفتاری است که در خصوص ارز صورت می‌پذیرد و شمول آن به رمزارزها، تفاوت خاصی در این امر ایجاد نمی‌کند.

۲-۴. انجام کارگزاری بدون مجوز

انجام کارگزاری خدمات ارزی در داخل کشور برای اشخاص خارج از کشور، بدون داشتن مجوز انجام عملیات صرافی از بانک مرکزی، یکی دیگر از مواردی است که به موجب بند ۳ ماده مذکور، قاچاق ارز محسوب می‌شود. لزوم اخذ مجوز جهت انجام صرافی، افزون بر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، در بند ۱۴ ماده ۱۴ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز مورد تأکید قرار گرفته است. بر اساس بند مزبور:

«... انجام هر گونه عملیات صرافی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی... بدون اخذ مجوز از بانک مرکزی ممنوع است...».

در خصوص امکان‌سنجی تحقق قاچاق ارز به واسطه انجام کارگزاری بدون مجوز، در معنای بند مذکور در خصوص رمزارزها چند نکته قابل توجه است:

نخست آنکه انجام کارگزاری، یک ضرورت عملی در پهنه نظام ارزی، پولی و مالی کشور است. وجود تحریم‌های بانکی و فقدان ارتباط رسمی از طریق بانک‌ها جهت مبادلات ارزی/پولی و نیاز به جابه‌جایی پول با هدف واردات و تأمین سایر نیازهای عمومی و خصوصی کشور، موجب تقویب راهکارهای غیر رسمی و استفاده از اشخاص در جابه‌جایی پول شده است. همین امر نیز موجب شکل‌گیری برخی مشاغل مالی غیررسمی مانند رابطین ریالی شده که در عمل مشکلات زیادی از جمله وقوع برخی جرایم اقتصادی را فراهم ساخته است. با این حال، با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد رمزارزها، ویژگی سهولت و گستردگی مبادله در بستر فضای سایبر در عمل سبب شده که در تسویه حساب‌های مرتبط با آن، نیازی به استفاده از خدمات رابطین ریالی یا کارگزاران نباشد.

دوم آنکه رمزارزها به ویژه رمزارزهای جهان‌روا مانند بیت‌کوین، تحت شمول تحریم‌های پولی، مالی و بانکی قرار ندارند. همین امر موجب شده که مانعی جهت مبادلات آن برای کشورهای تحت تحریم مانند ایران، وجود نداشته باشد. در واقع این امر، ناشی از ماهیت ویژه رمزارزهاست. بر خلاف برخی از سامانه‌های پرداخت بین‌المللی

مانند پی‌پال^۱ که اگرچه در بعد فراملی موجب سهولت ارتباطات مالی شده‌اند، اما تحت تأثیر تحریم‌های بین‌المللی علیه کشورها قرار دارند و اقدام به ارائه خدمات به چنین کشورهایی از جمله ایران نمی‌کنند (Early, 2016: 53). بیت کوین و سایر رمزارزهای مشابه آن به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد که در واقع در چارچوب ایدئولوژی خاصی همچون «جایگزینی بیت کوین با نظام پولی موجود جهانی» شکل گرفته‌اند، به عنوان یک راهکار جایگزین جهت دور زدن تحریم‌ها شناخته می‌شوند (Umlauf, 2018: 1). از این رو، این امر نیز به نوبه خود با حذف واسطه در ارتباطات مالی و «شخص به شخص» کردن آن، افزون بر حذف نهادهای مالی رسمی واسطه‌ای (مانند بانک‌ها و صرافی)، در عمل مشاغل مالی غیر رسمی مانند کارگزاران یا رابطین ریالی را که منشأ برخی آثار سوء هستند، حذف نموده است.

با این حال، به لحاظ نظری با وجود شرایط لازم، امکان تحقق قاچاق ارز از طریق اعمال کارگزاری بدون مجوز در خصوص رمزارزها وجود دارد. بدیهی است که در این زمینه نیز تصویب مقررات خاص جهت شمول عنوان مجرمانه ضرورت دارد؛ زیرا در حال حاضر مقرره خاصی جهت کسب مجوز در این حوزه موجود نیست.

۲-۲-۵. عدم ثبت معاملات ارزی در سامانه ارزی و عدم ارائه صورتحساب معتبر
 ثبت هویت معامله‌گران و معاملات به عنوان یکی از اقدامات ضروری در رهگیری فعالیت‌های اقتصادی به ویژه از حیث جنایی مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، وجود اطلاعات معتبر ضمن برخورداری از ویژگی بازدارندگی در ارتکاب جرم، می‌تواند به کشف سریع جرایم منجر شود.

بدین‌سان، مطابق بند ج ماده ۲ مکرر، عدم ثبت معاملات ارزی در سامانه ارزی یا ثبت ناقص یا خلاف واقع اطلاعات مربوط به معاملات مذکور در این سامانه و مطابق بند چ، عدم ارائه صورتحساب خرید معتبر یا ارائه صورتحساب خرید خلاف واقع یا دارای اطلاعات ناقص به مشتری توسط صرافی، بانک یا مؤسسه مالی اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی، یکی دیگر از مصادیق قاچاق ارز محسوب شده است. دلیل

1. PayPal.

وضع چنین بندی، وجود برخی مخاطرات جنایی است که عدم ثبت معاملات ارزی در سامانه مقرر در پی دارد. منظور از سامانه ارزی، سامانه «سنا» است. مطابق بند ۱-۱۴ دستورالعمل اجرایی مبارزه با پولشویی در صرافی‌ها مصوب ۱۳۹۰، سنا سامانه نظارت بر ارز است که در بانک مرکزی مستقر بوده و صرافی‌ها موظف هستند تمام عملیات صرافی و اطلاعات مربوط به شناسایی مشتری را در این سامانه ثبت کنند. مطابق ماده ۶ «مقررات ناظر بر عملیات ارزی صرافی‌ها» نیز کلیه صرافی‌ها موظف‌اند معاملات عمده را به صورت هم‌زمان در سامانه سنا ثبت نمایند.

بر این اساس، عدم رعایت مقررات مذکور، موجب تحقق بند ج لایحه اصلاحی ۱۳۹۹ و در نتیجه قاچاق خواهد شد. عدم ارائه صورتحساب معتبر نیز که در بند ج آمده، از دیگر مصادیق قاچاق ارز است. به موجب ماده ۳۳ دستورالعمل اجرایی تأسیس، فعالیت و نظارت بر صرافی‌ها مصوب ۱۳۹۳، صرافی‌ها در قبال انجام هر گونه عملیات صرافی، ملزم به ارائه فاکتور معتبر و یا رسید با امضای مجاز و ممه‌ور به مهر صرافی و به نام و امضای مشتری هستند. با وجود این، در حال حاضر صرافی‌ها موظف‌اند معاملات خود را در سامانه نظارت ارزی «سنا» ثبت نمایند و رسیدی که محتوی اطلاعات موجود در این سامانه است، به مشتری تسلیم نمایند (ر.ک: سیاه‌بیدی کرمانشاهی و ثالث مؤید، ۱۳۹۶: ۱۷۰).

تحقق جرم قاچاق ارز در این زمینه در خصوص رمزارزها، از ابعاد گوناگونی قابل بررسی است: نخست، همان‌طور که پیشتر بیان شد، به دلیل فقدان مقرره‌ای مشخص جهت تشکیل صرافی‌های رمزارزی و به تبع آن عدم وجود چنین صرافی‌هایی، امکان معامله در این چارچوب، در زمان حاضر امکان‌پذیر نیست. بدین ترتیب اصولاً ثبت در سامانه ارزی در خصوص معاملات رمزارزی موضوعیت نمی‌یابند. دوم، با توجه به تفاوت‌هایی که میان رمزارزها با سایر ارزها (منظور ارزهای رایج ملی است) وجود دارد و نیز مستقل محسوب شدن بازار این پدیده فناورانه، نیاز به ایجاد سامانه‌ای مستقل در این زمینه، غیر از سامانه سنا که در حال حاضر به ثبت معاملات ارزی اختصاص دارد، ضروری به نظر می‌رسد. سوم، ابهامات مربوط به قابلیت ناشناختگی در بستر رمزارزها به عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رمزارزهایی همچون بیت‌کوین است و همین امر

سبب شده که این ارز به طور ناشناس قابل معامله باشد. حال باید به بررسی این موضوع پرداخت که آیا اساساً در چنین بستری وجود الزام قانونی به ثبت تا چه حدی قابل تحقق است؟ این امر زمانی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود که بدانیم در فرایند این فناوری، پنهان کردن هویت به آسانی امکان‌پذیر، و شناسایی هویت کاربران در چارچوب شبکه در عمل غیرممکن است (Kethineni & Cao & Dodge, 2018: 148). بر این اساس، این امر چالشی مهم محسوب می‌شود؛ زیرا زمانی که مبادله رمزارزی خارج از شبکه رسمی صورت پذیرد، امکان شناسایی هویت واقعی کاربران بسیار دشوار خواهد بود (شاملو و خلیلی پاجی، ۱۳۹۹: ۶۲-۵۹). این امر نیز به دلیل ویژگی فقدان یک نهاد مرکزی در صدور و مدیریت رمزارزهاست که پنهان ماندن منشأ رمزارزها را تشدید می‌کند.

۶-۲-۲. عرضه، حمل یا نگهداری

مطابق بند ح، عرضه، حمل یا نگهداری ارز فاقد صورتحساب خرید معتبر یا فاقد مجوز ورود، توسط اشخاصی غیر از صرافی، بانک یا مؤسسه مالی اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی، یکی دیگر از مصادیق قاچاق ارز محسوب شده است. جرم‌انگاری/قاچاق‌انگاری عرضه، حمل و نگهداری ارز در شرایط مذکور نیز یکی از مواردی است که ضرورت‌های عملی ایجادشده در پی بحران ارزی که از اواخر سال ۱۳۹۶ در کشور ایجاد شد، توجه به آن و توسعه قلمرو جرم‌انگاری جهت تکمیل تمامی حلقه‌های مستقیم و غیر مستقیم را اجتناب‌ناپذیر کرده است. بر این اساس، در تاریخ ۱۳۹۷/۰۱/۲۰، بانک مرکزی اقدام به تصویب «دستورالعمل مربوط به تعیین ارز قابل نگهداری و مبادله در داخل کشور» کرد. این دستورالعمل، نخست در مقام تعیین تکلیف ارزهای نگهداری‌شده پیش از ابلاغ دستورالعمل برآمده، و سپس نگهداری ارز بیش از سقف مشخص شده را پس از ابلاغ دستورالعمل ممنوع کرده است. با این حال، وجود برخی نقص‌های قانونی در عمل منجر به بی‌ضمانت اجرا ماندن و بی‌ثمری این مصوبه شد. در این چارچوب، قانون‌گذار تلاش کرده تا با تصویب بند ح مذکور، ضمن جرم‌انگاری/قاچاق‌انگاری این امر، ضمانت اجرای مناسبی برای آن مقرر دارد. طبیعی است که شمول این عمل بر رمزارزها در بردارنده برخی نکاتی است که پیشتر نیز مورد

اشاره قرار گرفت. حمل یا نگهداری رمزارزها به صورت فیزیکی صورت نمی‌پذیرد و آن را باید در «کیف پول‌های» مشخص شده ذخیره کرد. در واقع امر نیز نیازی به حمل و نقل این کیف پول‌ها نیست و شخص به ویژه زمانی که از کیف پول‌های نرم‌افزاری استفاده می‌کند، صرفاً با کدی مشخص می‌تواند به محتویات آن دست پیدا کند. عرضه چنین ارزهایی نیز بر خلاف ارزهای ملی رایج، نیاز به مانور فیزیکی و حضوری ندارد. بدین سان، رمزارزها در عمل از چالش‌های مربوط به عرضه، نگهداری و حمل ارزها تهی هستند. با این حال باید به این نکته توجه داشت که زمانی اعمال مذکور قاچاق محسوب می‌شود که شخص، «فاقد صورتحساب خرید معتبر یا فاقد مجوز» باشد. از این رو، جرم‌انگاری این اعمال، تلاشی از سوی قانون‌گذار جهت ایجاد انضباط در بازار ارزی است. بر این اساس، قانون‌گذار جهت مقابله کیفری مؤثر با پدیده قاچاق ارز با راهبرد «پیشروی سیاست جنایی» با جرم‌انگاری برخی اعمال مرتبط و مقدماتی و در حکم قاچاق محسوب کردن آن، در تلاش است تا به هدف خود که همانا کاهش مخاطرات مجرمانه بازار ارز است، از طریق تشدید کیفری دست یابد. تأسیس جرم مانع اجازه داده تا ضرورت رکن مادی در حقوق کیفری با نظریه «حالت خطرناک پیش از جرم» سازش داده شود. قانون‌گذار اعمال یا رفتارهایی را که فی‌نفسه جرم‌انگاری آن‌ها در حقوق کیفری قابل توجیه نیست، اما از آنجا که خطر ارتکاب جرم را در خود می‌پروانند (در مثال ما نگهداری و حمل ارز جهت قاچاق ارز)، جرم‌انگاری می‌کند تا از این طریق، مانع ارتکاب جرایم شدید شود و از آن‌ها پیشگیری نماید (ر.ک: نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۵: ۹۲۴/۲).

نتیجه‌گیری

قاعده‌مندسازی حقوقی و مقررات‌گذاری پیرامون ابعاد جنایی رمزارزها متناسب با طبیعت فناورانه آن‌ها به تدریج ولی مستمر در حال تکامل است؛ امری که با وجود پیشرفت‌های قابل توجه، همچنان در ابتدای راه قرار دارد. در این چارچوب، آنچه به‌عنوان یک الگوی منطقی در رویه عملی و اظهارنظرهای کشورهای گوناگون در این زمینه دیده می‌شود، تلاش جهت اتخاذ رویکردهای سازنده و دانش‌بنیان و به دور از

هر گونه انفعال و نفی فناوری رمزارزهاست. این امر از فهم این گزاره مهم ناشی می‌شود که رمزارزها را باید به عنوان یک فناوری نوین و اثرگذار پذیرفت و به دور از هر گونه انفعال، به موضع گیری پیرامون آن پرداخت.

بخش قابل توجهی از قاعده‌مندی حقوقی پیرامون رمزارزها، با قانون گذاری در خصوص ابعاد جنایی مرتبط می‌شود. تجربه سالیان اخیر نشان داده که همسو با برخی اظهار نظرهای اندیشمندان حقوق کیفری و جرم‌شناختی، ویژگی‌های منحصر به فرد رمزارزها می‌تواند زمینه‌ساز وقوع برخی جرایم باشد. در این چارچوب، کارکرد رمزارزها به صورت پول یا سامانه پرداخت، غالب کشورها را بر آن داشته که بی‌آنکه به پذیرش این فناوری به عنوان یک پول بپردازند، آن را مشمول قواعد مبارزه با پولشویی کنند.

گسترش رمزارزها در ایران نیز نیاز به کنشگری حقوقی پیرامون ابعاد گوناگون این فناوری را آشکار کرد؛ امری که اگرچه با اتخاذ رویکردهای منفعلانه آغاز شد، عقب‌تر از بسیاری از کشورها، به سوی تحولاتی نسبی در حال حرکت است. مهم‌ترین بُعد مداخلات قانون گذاری در ایران را نیز می‌توان مداخله کیفری در این حوزه دانست که در تلاش بود بر خلاف بسیاری از کشورها، با ارزش محسوب کردن رمزارزها، به جای آنکه اولویت قانون گذاری جنایی در این حوزه را در چارچوب مقررات مبارزه با پولشویی مدنظر قرار دهد، با قاچاق‌انگاری آن، رویه‌ای متفاوت را برگزیند؛ امری که می‌توانست بدون ایجاد چنین ساختاری پیچیده و صرفاً در پرتو مقررات مبارزه با پولشویی، به هدف مدیریت ریسک مجرمانه رمزارزها دست یابد.

در واقع به نظر می‌رسد ضرورتی بر شناسایی رمزارزها به عنوان یک ارزش خارجی وجود نداشته باشد؛ امری که در عمل توسط هیچ کشوری صورت پذیرفته است. غالب کشورهایی که در زمینه رمزارزها به قانون گذاری پرداخته‌اند، این فناوری را به عنوان یک ارزش/مال/دارایی مورد شناسایی قرار داده‌اند و نه پول یا ارزش خارجی. در این چارچوب نیز با شناسایی قانونی ارائه‌دهندگان خدمات مربوط به این فناوری و تلاش جهت شمول برخی الزامات در خصوص آنها، زمینه را برای قاعده‌مندی این حوزه فراهم ساخته‌اند؛ امری که در چارچوب «نظریه جایگزینی» ارزشهای مجازی با نظام پولی موجود معنا می‌یابد. باید توجه داشت که رمزارزهای جهان‌روایی چون بیت‌کوین،

اگرچه از مزیت‌های زیادی برخوردارند، اما همچنان از چالش بزرگ گمنامی و ناشناختگی برخوردار هستند. از این رو، تلاش غالب کشورها، به حاشیه راندن این فناوری و تنزل جایگاه آن به عنوان یک ارزش یا دارایی است. به همین خاطر در هیچ کشوری به این فناوری، ارزشی چون پول یا ارز خارجی داده نشده است.

بدین‌سان، رویکرد اتخاذی توسط ایران در شناسایی رمزارزها به عنوان ارز خارجی، اگرچه به لحاظ نظری منجر به اتخاذ رویکردی سختگیرانه از حیث کیفی در خصوص آن‌ها خواهد شد، اما در عمل رویکرد مناسبی تلقی نمی‌شود؛ زیرا از یک‌سو، شناسایی این فناوری به عنوان یک ارزش کافی بود تا تحت شمول قوانین مبارزه با پولشویی قرار گیرد و الزامات مربوط به پولشویی برای کاربران و ارائه‌دهندگان خدمات مربوط به آن را میسر سازد. از سوی دیگر، شناسایی رمزارزهای جهان‌روا، بدون پشتوانه و برخوردار از نوسانات قیمتی بسیار زیاد که در خصوص خالق آن نیز ابهامات جدی وجود دارد، می‌تواند در ایجاد تمایل عموم مردم در ورود به آن بسیار تأثیرگذار باشد؛ امری که با پیچیدگی خرید و فروش آن به دلیل شمول قوانین و مقررات ارزی، می‌تواند زمینه‌ساز مجرمیت بالقوه بسیاری از اشخاص باشد. از این رو، به نظر می‌رسد ضرورت تجدیدنظر در خصوص ورود رمزارزها به مصادیق ارز سبب شد تا مجلس شورای اسلامی، تبصره الحاقی ماده ۲ را حذف نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتاب‌شناسی

۱. احمدی، حبیب، و رودابه دهقانی، «آراء و اندیشه‌های اولریش بک (نظریه‌پرداز جامعه مخاطره‌آمیز)»، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره دهم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۴ ش.
۲. برومند، شهرزاد و همکاران، امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب (مطالعه تطبیقی)، تهران، مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۳. بک، اولریش، جامعه در مخاطره جهانی، ترجمه محمدرضا مهدی‌زاده، تهران، کویر، ۱۳۸۸ ش.
۴. پاک‌نهاد، امیر، سیاست جنایی ریسک‌مدار، تهران، میزان، ۱۳۸۸ ش.
۵. پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ یازدهم، تهران، سمت، ۱۳۹۹ ش.
۶. خلیلی پاجی، عارف، «امکان‌سنجی تأمین مالی تروریسم در پرتو ارزش‌های مجازی»، مندرج در: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی ابعاد حقوقی - جرم‌شناختی تروریسم، تهران، دانشگاهی علامه طباطبائی، ۱۳۹۸ ش.
۷. دلماس مارتی، می‌ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۹۸ ش.
۸. رهبرپور، محمدرضا، «مبانی فقهی ممنوعیت و جرم‌انگاری در قلمروی اخلاق زیستی»، فصلنامه حقوق اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۲، پاییز ۱۳۹۳ ش.
۹. سیاه‌بیدی کرمانشاهی و دیگران، حقوق کیفری اقتصادی، تهران، جاودانه، ۱۳۹۷ ش.
۱۰. سیاه‌بیدی کرمانشاهی و دیگران، محشای قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، تهران، جاودانه، ۱۳۹۸ ش.
۱۱. سیاه‌بیدی کرمانشاهی، سعید، و احمدعلی ثالث مؤید، حقوق کیفری اقتصادی؛ پول‌شویی، تهران، میزان، ۱۳۹۶ ش.
۱۲. شاملو، باقر، و عارف خلیلی پاجی، «مجازی شدن بزهکاری یقه‌سفیدی در پرتو ارزش‌های مجازی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره هشتاد و چهارم، شماره ۱۱۰، تابستان ۱۳۹۹ ش.
۱۳. شاهیده، فرهاد، و امیرحسین نیازپور، «جرم‌انگاری پیش‌دستانه اعمال تروریستی»، آموزه‌های حقوق کیفری، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره هفدهم، شماره ۱۹، بهار و تابستان ۱۳۹۹ ش.
۱۴. صیقل، یزدان، مطالعه حقوقی - جرم‌شناختی جرم در جامعه مخاطره‌آمیز، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۷ ش.
۱۵. فرحبخش، مجتبی، تأثیر فایده‌گرایی بر جرم‌انگاری، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۹ ش.
۱۶. لارنت چیتن، پیتر و همکاران، پیشگیری از پولشویی و تأمین مالی تروریسم؛ راهنمای عملی برای ناظران بانکی، ترجمه مریم کشتکار، تهران، تاش، ۱۳۹۲ ش.
۱۷. محمودی جانکی، فیروز، و مهرانگیز روستایی، «توجیه مداخله کیفری: اصول و ضرورت‌ها»، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۲ ش.
۱۸. میرمحمدصادقی، حسین، و زینب لکی، «رویکردی نوین بر ارجاع کیفری در پرتو اصل وصف‌گذاری منصفانه»، پژوهش حقوق کیفری، سال هفتم، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۹۸ ش.
۱۹. میرمحمدصادقی، حسین، و علی رحمتی، «مصادیق عدول از اصول کلی حقوق کیفری در جرایم علیه امنیت»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و چهارم، شماره ۷۶، پاییز ۱۳۹۴ ش.

۲۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «جرم‌شناسی حقوقی (درآمدی بر جرم‌شناسی حقوق کیفری عمومی)»، مندرج در: *تازه‌های علوم جنایی*، کتاب دوم، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
۲۱. همو، «درباره امنیت‌شناسی (از حق بر امنیت تا حق بر تأمین)»، دیپاچه در: رضوانی، سودابه، *مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم*، تهران، میزان، ۱۳۹۱ ش.
۲۲. همو، «کیفرشناسی نو - جرم‌شناسی نو؛ درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار»، مندرج در: *تازه‌های علوم جنایی*، کتاب اول، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، میزان، ۱۳۸۸ ش.
۲۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، محمدجعفر حبیب‌زاده، و محمدعلی بابائی، «جرایم مانع (جرایم بازدارنده)»، *فصلنامه مدرس علوم انسانی (ویژه‌نامه حقوق)*، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۸۳ ش.
24. Ahmad, Tariq, "Canada: Canada Passes Law Regulating Virtual Currencies as 'Money Service Businesses'", *Global Legal Monitor*, 2014: <<http://www.loc.gov/law/foreign-news/article/canada-canada-passes-law-regulating-virtual-currencies-as-money-service-businesses>>, Archived at: <<https://perma.cc/BQA6-K7MV>>.
25. Australian Government Response to the Senate Economic References Committee Report: Digital currency – game changer or bit player, May 2016: <<https://www.aph.gov.au/DocumentStore.ashx?id=4f9bcf03-5867-449c-85ad-b8dd01d7459c>>, Archived at: <<https://perma.cc/U6WP-VYKU>>.
26. Australian Securities & Investments Commission (ASIC), Op-Ed Blockchain, 2015: <<https://asic.gov.au/about-asic/media-centre/asic-responds/op-ed-blockchain>>.
27. Boehm, Franziska & Paulina Pesch, "Bitcoin: A First Legal Analysis -with reference to German and US-American Law-", Institute for Information, Telecommunication, and Media Law, University of Münster, Germany, 2015: <http://www.unimuenster.de/Jura.itm/hoeren/materialien/boehm_pesch/BTC_final_camready.pdf>.
28. Digital Currency Exchange Providers, AUSTRAC, 2018: <<https://www.austrac.gov.au/digital-currency-exchange-providers>>.
29. FATF, *Guidance for a Risk-Based Approach to Virtual Assets and Virtual Asset Service Providers*, FATF, Paris, June 2019: <<https://www.fatf-gafi.org/publications/fatfrecommendations/documents/Guidance-RBA-virtual-assets.html>>.
30. Greenfield, Mariene, "Number of Bitcoins in Circulation Worldwide", 2016, The Statistics Portal: <<https://www.statista.com/statistics/247280/number-of-bitcoins-in-circulation>>.
31. Kemshall, Hazel, *Understanding risk in criminal justice*, Open University Press, 2003.
32. Kethineni, Sesha & Ying Cao, Cassandra Dodge, "Use of Bitcoin in Darknet Markets: Examining Facilitative Factors on Bitcoin-Related Crimes", *American Journal of Criminal Justice*, Vol. 43(2), 2018.
33. Parliament of Australia, "Digital Currency", Last visit in March 1, 2018: <https://www.aph.gov.au/Parliamentary_Business/Committees/Senate/Economics/Digital_currency>.

Archived at: <<https://perma.cc/T5XB-BNY2>>.

34. Ritzer, George, *Encyclopedia of Social Theory*, Vol. II, London, Sage publication, 2005.
35. Senate Economic References Committee Digital, "Currency – game change or bit player", 2015: <https://www.aph.gov.au/Parliamentary_Business/Committees/Senate/Economics/Digital_currency/~/_media/Committees/economics_ctte/Digital_currency/report.pdf>.
36. Tax Treatment of Crypto-Currencies in Australia – Specifically Bitcoin, Australian Taxation Office (ATO), 2017: <<https://www.ato.gov.au/General/Gen/Tax-treatment-of-crypto-currencies-in-Australia---specifically-bitcoin>>.
37. Umlauf, Thomas S., "Is Bitcoin Money? An Economic-Historical Analysis of Money, Its Functions and Its Prerequisites", 85th International Atlantic Economic Conference, At London, United Kingdom, June 2018.
38. Zedner, Lucia, "Pre-crime and post criminology?", *Theoretical Criminology*, Vol. 11(2), UK, University of Oxford, 2007.

